

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۵

بیداری اسلامی و ایران‌هراسی: تحلیل گفتمان مطبوعات غربی (اسفند ۸۹ - اردیبهشت ۹۰)

نوشته

حسن بشیر*

رامین چابکی**

حسین مهربانی‌فر***

چکیده

بازتاب ایران‌هراسی در مطبوعات اروپایی و آمریکایی و موضع‌گیری‌های آن‌ها که با نفوذ و صدور انقلاب اسلامی ایران در طی گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی و ظهور انقلاب‌ها و قیام‌های متعدد در کشورهای منطقه، به اوج خود رسیده است، امری در خور توجه است که با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان می‌توان از رویکردهای اصلی آن‌ها تا حد زیادی پرده برداشت.

بررسی گفتمان مطبوعات غربی، ما را به تقابل همیشگی غرب با ایران رهنمون ساخته است که در این راستا، مطالعات نئوشرق‌شناسی با توجه به فضای نوین جامعه جهانی (و شکل‌گیری امپریالیسم جدید) و همچنین نشانه‌شناسی فرهنگی با نظر به ظرفیت‌های قابل توجه آن در تبیین تقابل‌های فرهنگی و روابط میان فرهنگی، چارچوب نظری مناسبی را برای تحلیل و واکاوی این امر در اختیار ما قرار می‌دهند.

به تصویر کشیدن ایران به عنوان تهدیدی جدی برای منطقه، نسبت دادن توحش و ضدیت با دموکراسی به جمهوری اسلامی ایران و به‌دنبال آن، تأکید بر تمایزات و زنده‌کردن از مهم‌ترین مواردی است که از تحلیل گفتمان این مطبوعات به‌دست آمده و به نوبه خود در بستر مطالعات نئوشرق‌شناسی و نشانه‌شناسی فرهنگی قابل تبیین است.

کلید واژه: بیداری اسلامی، اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی، نئوشرق‌شناسی، نشانه‌شناسی فرهنگی، تحلیل گفتمان، مطبوعات اروپایی و آمریکایی.

* دانشیار ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) drhbashir@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) chaboki@isu.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) mehrabanifar@isu.ac.ir

مقدمه

ایران‌هراسی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم و به ویژه زمان حاضر به اوج خود رسیده است، در حقیقت پروژه‌ای است که اگر چه ریشه‌ای چند صد ساله دارد، اما در ادامه اسلام‌هراسی و با ظهور انقلاب اسلامی ایران شکل دیگری به خود گرفته و با توجه به شرایط نوینی که در عرصه‌های سیاسی، فناوری اطلاعات ایجاد شده، ابعاد جدیدی به خصوص در سطح رسانه‌های ارتباطات جمعی پیدا کرده است.

در واقع یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش اسلام‌هراسی و همزمان شدن آن با پروژه ایران‌هراسی، پیروزی انقلاب اسلامی است. با انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و خودباوری اسلامی به عنوان دستاوردهای آن در جهان اسلام فراگیر شدند. انقلاب اسلامی باعث دگرگونی اوضاع جهان و ظهور معادلات جدیدی در سطح جهانی شد.

امروزه با ظهور انقلاب‌های متعدد و موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، شاهد برجسته‌سازی روز افزون نقش ایران در رسانه‌های مختلف جهان هستیم. برجسته‌سازی‌ای که از نفوذ عمیق و گسترده جمهوری اسلامی ایران خبر داده و با تصویرسازی‌های غبارآلود و هولناک از آن همراه است.

به بیان دیگر، دستگاه‌های تبلیغات غرب با راه انداختن تبلیغات گسترده علیه ایران به‌عنوان نقطه کانونی بیداری اسلامی، سعی در ارائه تصویری تیره از ایران برای همسایه‌ها و همچنین افکار عمومی جهان را دارند.

در این نوشتار، به دنبال تبیین نقش تعیین‌کننده جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی و موج ایران‌هراسی نشئت گرفته از آن در سطح رسانه‌های بین‌المللی، به ارائه کیفیت تصویرسازی‌های صورت گرفته از نقش ایران در این خصوص می‌پردازیم. آنچه که در این میان از اهمیت شایان توجه برخوردار است، توجه به موضع کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا به وضعیت کشورهای منطقه و نفوذ انقلاب اسلامی در این کشورها است. چه اینکه منافع دول غربی و به‌خصوص آمریکا در این منطقه بیش از پیش با تهدیداتی جدی مواجه شده است.

از این رو برای تحقق این امر، ابتدا به طور مختصر به بحث بیداری اسلامی و نسبت انقلاب اسلامی ایران با آن می‌پردازیم، سپس، اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را به مثابه دو پروژه هم‌عرض یکدیگر مطرح می‌کنیم و در ادامه با تحلیل گفتمان برخی از مهم‌ترین مقاله‌های منتشر شده در بعضی از نشریات معتبر آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، به دنبال استخراج گفتمان اصلی آن‌ها به نقش ایران و کیفیت تصویرسازی‌های آن‌ها از عملکرد جمهوری اسلامی در این خصوص هستیم. در نهایت با جمع‌بندی نتایج حاصل از تحلیل گفتمان، به بررسی و ارائه آن در یک چارچوب نئوشرق‌شناسانه و نشانه‌شناختی فرهنگی خواهیم پرداخت؛ تا از این رهگذر بتوان، سویه‌های تمدنی چند هزار ساله برخورد غرب با ایران و محورهای اصلی ایران-هراسی را نیز هر چه بیشتر روشن کنیم.

انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، در عین داشتن اهداف سیاسی و اجتماعی، نگاه خاصی به تمدن و جهان‌بینی اسلامی داشت. این رویداد در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی نقش عمده‌ای ایفا کرد (سالار، ۱۳۸۲: ۱۸).

انقلاب اسلامی ایران انقلابی فرهنگی است که به نسبت نظام‌ها و انقلاب‌های دیگری که تاکنون به وقوع پیوسته، به گونه‌ای ویژه خود را به جهانیان نشان داده است. این انقلاب، خارج از مدار نظام سرمایه‌داری غرب و نظام کمونیستی شرق، زمانی که ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل، امکان تحقق تفکر سومی را برای حیات سیاسی جوامع بسته بود، با شعار "استقلال و آزادی"، خود را به جهانیان معرفی کرد و نوید رهایی از نظام‌های سلطه شرق و غرب را با تأکید بر بُعد فرهنگی آن سر داد.

بهره‌گیری از دین در ایجاد تحول اجتماعی مطلوب، مهم‌ترین تأثیر امام‌خمينی و انقلاب اسلامی بر جنبش‌گران مسلمان و جنبش بیداری اسلامی است. در حالی که قبل از آن و در فضای جهانی آلوده به لیبرالیسم و کمونیسم، کمتر کسی به توانایی دین در پدیدآوری انقلاب ایمان داشت. بر پایه تکیه بر دین به مفهوم فوق، مفاهیم قدرت دگرگون شد. به گونه‌ای که مسلمانان دریافتند قدرت حقیقی با تکیه بر قدرت الهی به دست آمده و به یاری چنین قدرتی قادرند به حقوق از دست رفته خویش دست یابند. امام و انقلاب اسلامی ایران به خوبی نشان دادند که تنها راه نجات، اسلام است و این نه تنها رمز بیداری کشورهای منطقه بلکه رمز بیدار شدن جهان از گمراه مسلک‌ها و مکتب‌های دیگر است (شیرودی، ۱۳۸۶: ۹۷).

تجدید حیات جوامع اسلامی و رشد روز افزون معنویت و بیداری ملت‌های تحت ستم در سایه پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا دنیای غرب با سردمداری آمریکا و متحدانش در منطقه، با تمام قدرت و توان خویش، پروسه مخدوش‌سازی چهره انقلاب اسلامی را با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف به کار بندند تا در ارزش‌های اسلامی و امکان اجرای آن‌ها در قرن بیستم شک و تردید ایجاد کنند.

اما امواج بیداری اسلامی ملت‌های جهان اسلام در طول سه دهه از گذشت انقلاب اسلامی، خود گویای نفوذ و صدور این انقلاب و بخش عظیمی از باورهای آن به ملل آزاده جهان دارد. چه این که «انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه و بین‌المللی، پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام بود» (طاهری، ۱۳۸۷).

ثمرات گسترده انقلاب اسلامی را می‌توان به وضوح در شکل‌گیری قیام‌های متعدد در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد بود. قیام‌هایی که ریشه در فطرت پاک انقلابیون و مبارزه ایشان با ایادی استکبار جهانی در منطقه دارد.

گسترش موج انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جنبش‌های متعدد اسلامی در منطقه، دولتمردان غربی را برآشفته و سیاست‌های ایشان را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. ظهور و بروز این سیاست‌ها را می‌توان در رشد روز افزون تبلیغات اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در رسانه‌های مختلف جهان و در قالب‌های متعدد و متنوع، شاهد بود.

اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی؛ دو روی یک سکه

اسلام‌هراسی (Islamophobia)، از اصطلاحات نسبتاً جدیدی است که در زمینه رابطه اسلام با غرب، تداول وسیعی یافته است. وضع این اصطلاح که بخشی از آن از علم اضطراب‌های روانی گرفته شده، برای تعبیر از پدیده هراس بیماران از اسلام بوده است (امینی، ۱۳۸۵). در حقیقت اسلام‌هراسی مفهومی است که به پیش‌داوری و هراس و تبعیض غیرمنطقی علیه اسلام و مسلمانان اشاره دارد. از زمان جنگ‌های صلیبی و جنگ بین مسلمانان و رومی‌ها، این تقابل و تعارض میان جهان اسلام و غرب وجود داشته و اسلام‌هراسی با پیچیده شدن و رشد تکنولوژی رسانه‌ها، جلوه‌های مختلفی در عصر حاضر به خود گرفته است (کنگی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۴).

سیاستمداران غربی جهت مشروع جلوه دادن تعرض‌های خود، طرح هدف‌مندی را برای مقابله با رشد فزاینده گرایش به دین اسلام و بیداری اسلامی در غرب و حتی ممالک اسلامی دنبال می‌کنند. آن‌ها با نسبت دادن آموزه‌های دین مبین اسلام به خشونت و تروریسم و بازنمایی اسلام سیاسی به عنوان یک تهدید جدی برای جهان غرب و ادیان دیگر، پروژه اسلام‌هراسی را در جهان به اجرا درآورده‌اند (همان).

در حقیقت می‌توان گفت ظهور پدیده اسلام‌هراسی، پروژه‌ای بود که هدف نهایی آن گسترش مفهوم "ترس از انقلاب اسلامی" و طراحی "ایران‌هراسی" به ویژه پس از موفقیت‌ها و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف نظامی، علوم و فناوری و از همه مهم‌تر، برنامه هسته‌ای است (بشیر، ۱۳۸۹).

غرب با توجه به تجربه طولانی شرق‌شناسی، حضور استعماری در کشورهای اسلامی و بالأخره مطالعات گسترده مربوط به مسائل بین‌المللی و میان فرهنگی، به خوبی می‌دانست که تشیع، رویکرد اصیل اسلامی است که عامل اساسی تحول جهان اسلام خواهد بود (همان).

با پیروزی انقلاب اسلامی، نگرانی غرب از تشیع افزایش یافت. حرکت‌های مختلف براندازی، ایجاد فشار، تحریم و به حاشیه کشیدن نظام اسلامی در ایران نیز با شکست روبه‌رو شد. برنامه هسته‌ای ایران که رویکرد جدید استفاده از نیروی هسته‌ای برای منافع انسانی در جهت صلح جهانی طراحی شده است، عاملی مهم در افشای برنامه‌های ضد بشری هسته‌ای غرب و صهیونیسم شد. وضعیت جدید، نه تنها باعث تشدید تحریم‌ها، اعمال فشارهای گوناگون و تلاش برای درگیر کردن ایران با تنش‌های درونی و بیرونی شد، بلکه عاملی بر طرح وسیع‌تر پروژه "اسلام‌هراسی و

ایران‌هراسی“ در رسانه‌های جهانی شد. آنچه که از این حرکت جدید می‌توان استنباط کرد، ایجاد نوعی از همگرایی رسانه‌ای میان اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی است (همان).

به عبارت بهتر و در بیانی دقیق‌تر می‌توان گفت که اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در عرض یکدیگر و دو روی یک سکه‌اند. چه اینکه در هر صورت انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عطف در تاریخ جهان، منافع قدرت‌های استکباری جهان را به شدت مورد تهدید قرار داده و به نوبه خود در عین اینکه پس از گذشت سی سال قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ایران را به رخ جهانیان کشیده، توانسته است قدرت اسلام واقعی را در بیداری ملل مختلف جهان و ایجاد زمینه‌های ترقی و شکوفایی کشورهای اسلامی، ثابت کند.

در ادامه به‌طور خلاصه، به بحث ایران‌هراسی و عمده‌ترین دلایل گسترش آنچه در سطح منطقه و چه در سطح جهان، می‌پردازیم.

ایران‌هراسی

یکی از اصلی‌ترین طرح‌های عملیات روانی — که در مراحل مختلف، علیه ایران به‌کار گرفته شده است — ”پروژه ایران‌هراسی“ است. این پروژه ابعاد گوناگونی دارد و هدف اصلی آن در مرتبه اول، کشورهای همسایه ایران و در مرتبه دوم تمام دنیاست. نخستین دور از این موج تبلیغاتی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شاهد بودیم که در آن، آمریکایی‌ها با راه‌اندازی گسترده تبلیغات ضدایرانی، انقلابی‌ها را انسان‌هایی متحجر و جنگ‌طلب معرفی کرده و تلاش کردند تا کشورمان را در یک تحریم نانوخته، از روی ترس، قرار دهند و مانع از برقراری رابطه جهان با کشورمان شوند. نسل بعدی از رهبران سیاسی آمریکا پس از اشغال عراق و مواجه شدن با قدرت بی‌رقیب ایران در منطقه خاورمیانه، تلاش‌های گسترده‌ای را برای ایجاد جبهه‌بندی کشورهای منطقه، علیه ایران آغاز کرده‌اند تا شاید بتوانند از این طریق مانع گسترش قدرت‌یابی ایران و متحدانش در منطقه شوند (طاهایی، ۱۳۸۸: ۱۳).

می‌توان دلایل ایران‌هراسی را، به ویژه در سطح منطقه‌ای به دو دسته ساختاری و غیرساختاری تقسیم کرد. قدرت، قرابت جغرافیایی و قابلیت‌های تهاجمی را می‌توان به عنوان دلایل ساختاری ایران‌هراسی و نیت تهاجمی، ترویج ایران‌هراسی و پذیرش این گفتمان از سوی کشورهای منطقه را به عنوان دلایل غیرساختاری هراس دیگران از ایران مطرح کرد (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

در مجموع، دُول غربی در پروژه ایران‌هراسی روی چند محور اساسی تأکید دارند، که مهم‌ترین آن محورها عبارت‌اند از انرژی هسته‌ای، حمایت از تروریسم، فناوری‌های دفاعی و تکنولوژیک ایران (از قبیل فناوری‌های موشکی، تولید سلاح، تولید ماهواره، تولیدات نانو، داروسازی و...) و ادعای تلاش ایران برای دخالت در کشورهای دیگر (به ویژه در بحث بیداری اسلامی که این ادعا از اصلی‌ترین محورهای تبلیغاتی در پروژه ایران‌هراسی و نیز بسیار مورد علاقه اعراب است) (طاهایی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۳).

از این رو، اکنون موقعیت منطقه‌ای ایران با دو ویژگی متعارض روبه‌رو است. از یک سو، روند انتقال قدرت در منطقه آغاز شده است، روندی که بالقوه می‌تواند موازنه قدرت منطقه‌ای را به سود ایران تغییر دهد و تثبیت کند. از دیگر سو به موازات روند قدرت‌یابی ایران، ایران‌هراسی نیز به گونه‌ای روزافزون در منطقه و در پهنه بین‌المللی اشاعه می‌یابد (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

شرق‌شناسی و نئوشرق‌شناسی

شرق‌شناسی به‌عنوان بخشی از مطالعات پسااستعماری ابتدا از سوی ادوارد سعید (۱۳۷۱) در کتاب معروفش با همین عنوان مطرح می‌شود.

شرق‌شناسی اولین کتاب از مجموعه‌ای سه جلدی محسوب می‌شود که به شرح "رابطه نامتوازن تاریخی بین جهان اسلام"، "خاورمیانه و شرق" از یک سو و "امپریالیسم اروپایی و آمریکا" از سوی دیگر، معطوف شده و امپریالیسم فرانسوی و انگلیسی در قرن نوزدهم را در کانون توجه خود قرار داده است. ادوارد سعید در کتاب دیگرش یعنی مسئله فلسطین و پوشش خبری اسلام در غرب به امپریالیسم پنهان و خاموش ایالات متحده در جهان اسلام تأکید می‌کند (گاندی، ۱۳۸۸: ۱-۱۰۰). در کل کتاب شرق‌شناسی (Said, 1978 - 1985) وی به این سؤال پاسخ می‌دهد که شرق چگونه فتح شد، و توصیه می‌کند که مجدداً به برخی از ابعاد این مسئله پردازیم که شرق چگونه از سوی غرب شناسانده و شناخته شده است.

در تلاشی کتاب شرق‌شناسی نشان می‌دهد که به منظور درک کامل ظهور غرب به عنوان یک ساختار و یک نظام، باید دریابیم که شرق استعمارزده به عنوان تصویر، ایده، شخصیت و تجربه متضاد اروپا مؤثر بوده است (گاندی، ۱۳۸۸: ۱-۱۰۰). در حقیقت، نکته اصلی استدلال سعید، گفتن خصومت غربی قرن هجدهمی نسبت به جهان اسلامی عربی بود (Tessa, 1998).

این مهم به مرور به این باور انجامید که چنین جوامعی در عین اینکه بسیار ضعیف در نظر گرفته می‌شوند، می‌توانند از قدرت بالایی برخوردار باشند. شاهد مثال این امر، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ بود که طبقه حاکم را به چالش طلبید. در واقع انقلاب اسلامی و در پی آن ماجرای گروگان‌گیری آمریکایی‌ها تأثیر بسیار زیادی در تعدیل و اصلاح شرق‌شناسی کلاسیک داشت. چه اینکه در شرق‌شناسی کلاسیک اعتقاد بر این بود که انقیاد در برابر اسلام متوجه تقدیرگرایی، عدم انتقاد به وضع موجود سیاسی و اجتماعی و دسپوتیسم (استبداد شدید) است. از این رو در این رویکرد جوامع اسلامی نمی‌توانند چونان جوامع غربی به پیشرفت و توسعه دست یابند چرا که اساساً از انقلاب کردن ناتوان هستند. با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نوع جدیدی از حکومت اسلامی که پیش از این در جهان، در دنیای عرب و خاورمیانه و جهان اسلام، هیچ سابقه‌ای نداشت، آرای شرق‌شناسی در این خصوص اصلاح شد. آنچنان که مطالعات جدید شرق‌شناسی تغییر موضع شگفتی در تحلیل رابطه جامعه و حکومت در جهان اسلام داده‌اند. در این‌گونه مطالعات، به نوع خاص حکومت علما و

شریعت و هنجارهای خاص برآمده از آن توجه ویژه‌ای می‌شود (همان). گروهی از شرق-شناسان جوان که یحیی سدوسی ایشان را نوشرق‌شناس می‌نامد، با مشاهده پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اظهار داشتند در جهان اسلام، جامعه از حکومت قوی‌تر است. اما آنان در نهایت هسته مرکزی فکر شرق‌شناسی را در تحلیل خود حفظ کردند و این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که اسلام از آن رو که حکومت جایگاه اصلی خود را ندارد با دموکراسی قابل جمع نیست. اما در هر صورت می‌توان متوجه شد که هر دو گروه سنتی و مدرن شرق‌شناسان، هرکدام به یک شکل، در پی به تصویر کشیدن ثنویت اسلام و غرب هستند (سمیعی، ۱۳۸۸: ۷).

علاوه بر این‌ها، معضل حل نشده فلسطین و گرایش هر چه بیشتر مقاومت فلسطین به اسلام و شعارهای اسلامی در جریان انتفاضه‌ها، نبرد مجاهدان افغان در مقابل کمونیسم و شکست مفتضحانه شوروی در مقابل جهاد اسلامی، ایجاد جنبش‌های اسلامی در جای‌جای جهان اسلام، حملات تروریستی تحت پوشش اسلام و از همه مهم‌تر عملیات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و واکنش قهرآمیز غرب طی اشغال دو کشور اسلامی افغانستان و عراق، پیشرفت‌های اخیر فناوری همه و همه موقعیت اسلام و غرب را در فضای جهانی به شدت تغییر داده است (همان).

این تحولات موجب شکل‌گیری دو گرایش متضاد عمده به رویکرد شرق‌شناسی شده است. نخست گرایشی که بر این باور است که غرب دوره شرق‌شناسی را پشت سر نهاده و در شرایط جدید به جای نگاه‌های استعمارگرانه، نگاهی انسانی و بشردوستانه به شرق رواج یافته است. بر این اساس در حال حاضر دوره پساشرق‌شناسی فرا رسیده است. در مقابل، گرایش دوم معتقد است گرچه برخی از پیش‌زمینه‌های شرق‌شناسی از بین رفته اما بسیار ساده‌اندیشی است که گمان کنیم معادلات قدرت که عامل اصلی پیدایش تفکر شرق‌شناسی بوده‌اند، کلاً فراموش شده و شرق و غرب کاملاً رفتاری انسان‌دوستانه را پیش گرفته‌اند. بلکه امروزه همان نگاه‌های استعماری گذشته توانسته‌اند ابزار جدید ارتباطی را در خدمت بگیرند و هجومی به مراتب سهمگین‌تر، ولی با ظاهری آراسته، بر مستعمره‌های پیشین داشته باشند. این پارادایم جدید که نئو شرق‌شناسی (Neo-Orientalism) نام گرفته، برخی از ویژگی‌های خود را از پارادایم پیشین به ارث برده اما عناصر جدیدی را نیز در خود دارد (همان).

در واقع می‌توان گفت نئوشرق‌شناسی با تعریف دقیق خود در ادامه شرق‌شناسی، در دوران پس از جنگ جهانی دوم پدیدار می‌شود. نئوشرق‌شناسی همچون شرق‌شناسی به دنبال شکل‌دادن دانشی واقعی از دنیای شرق و مسائل آن است (Tessa, 1998).

نئوشرق‌شناسی رویکردی است که در آن انگاره "تروریسم" و عقب‌افتادگی "ذهن عربی" به شدت نزدیک و وابسته به هم انگاشته می‌شود. در نئوشرق‌شناسی، جوامع خاورمیانه (به ویژه کشورهای اسلامی و عربی)، کشورهای توصیف می‌شوند که در برابر توسعه و پیشرفت و شیوه صنعتی‌سازی غربی و از همه مهم‌تر دموکراسی مقاومت می‌ورزند. این جوامع می‌توانند بر اساس اصول استاندارد شرق‌شناسی، با عوامل فرهنگی منحصر به فرد، متمایز و بی‌قاعده تبیین

شوند. نئوشرق‌شناسی پیوندی جدی با بربریسیم نوین دارد (Tuastad, 2003). در نئوشرق‌شناسی به دو روحیه و صفت ناسازگار در خاورمیانه اشاره می‌شود که به صورت دو روحیه که با هم برخورد و تصادم دارند، در نظر گرفته می‌شوند: از یک طرف، ناسازگاری میان روحیهٔ هرج و مرج‌طلبی سازمان‌های اجتماعی خانواده بنیان قطعه قطعه آن و از طرف دیگر عام‌گرایی (کلیت‌گرایی) و وظیفهٔ فرمانبرداری از اسلام و انقیاد در برابر آن. از این رو مشروعیت سیاسی ایشان بسیار خاص‌گرا و متوجه علائق محلی ایدئولوژیک خانواده بنیان ایشان است (همان).

در مجموع می‌توان توجه به خاص و منحصر به فرد بودن دول اسلامی و در رأس آن‌ها جمهوری اسلامی و تقویت غیریت ایشان و به عبارت بهتر تمایز میان خود متمدن، و دیگری وحشی، امری است که بیش از هر چیز در نئوشرق‌شناسی مد نظر قرار می‌گیرد. و این اشتباه است که ما تقابل غرب و اسلام را در عصر جدید، امری تمام شده تلقی کنیم. چه اینکه امروزه با ظهور انقلاب‌های متعدد در منطقه خاورمیانه که همگی برآمده از جوامع مسلمین بوده و حکایت‌گر بیداری ایشان است، این تقابل نه تنها از میان نرفته بلکه تشدید هم شده است. آن‌چنان که در بحث اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی به ویژه پس از یازده سپتامبر می‌توان به وضوح شاهد این امر بود.

موضوع تقابل خود و دیگری، نقطهٔ اشتراک مطالعات نئوشرق‌شناسانه با نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب مسکو تارتو روسیه است که در آن در روابط میان فرهنگی، مفهوم خود و دیگری از اهمیت بسیاری برخوردار است. هر چند که نئوشرق‌شناسی و نشانه‌شناسی فرهنگی هرکدام از خاستگاه‌ها و نظام‌های معنایی متفاوتی برخاسته‌اند، اما می‌توان گفت که توجه به این مهم این دو رویکرد را به یکدیگر نزدیک می‌کند و پیوند می‌دهد که در بخش بعدی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

نشانه‌شناسی فرهنگی

مکتب مسکو تارتو در دهه ۱۹۶۰ توسط یوری لوتمان (Lotman, 1990, 2005) بنا شد. فعالیت‌های او را باید بخشی از سنت نشانه‌شناسی فرمالیسم ساختارگرا به شمار آورد، اما به شکل‌گیری نشانه‌شناسی فرهنگی نیز کمک زیادی کرد. هدف او به وجود آوردن یک نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی بود.

لوتمان و مکتب مسکو تارتو، نشانه‌شناسی فرهنگی را دانشی عنوان کردند که وابستگی‌های کارکردی نظام‌های نشانه‌ای را که به صورت رایج و سیار در فرهنگ وجود دارند، مطالعه می‌کند. این امر این پیش‌فرض را در نظر دارد که امکان توصیف نظام‌های نشانه‌ای اصیل به صورت عملیاتی و کاربردی وجود دارد، اما این نظام‌های نشانه‌ای تنها در ارتباط با یکدیگر و اثر گذاری متقابل، می‌توانند نقش خود را ایفا کنند. در کل جهان نشانه‌ای فرهنگ، نظام نشانه‌ای بسته‌ای وجود ندارد و همه نظام‌های نشانه‌ای با یکدیگر ارتباط دارند و با هم داد و ستد می‌کنند. در فرهنگ متونی وجود دارند که به عنوان اجتماعی از نشانه‌ها کارکرد پیدا می‌کنند. معنای چنین

متونی از طریق معنای نشانه‌ها، حاصل می‌شود. یعنی ما زمانی می‌توانیم معنای این متون را بفهمیم که معنای نشانه‌های موجود در آن را درک کرده باشیم (تروپ، ۱۹۹۹).

در نشانه‌شناسی فرهنگی، فرهنگ معنادار در مقابل طبیعت بی‌معنا مطرح می‌شود. طبیعت یعنی آنچه که به انسان کاری ندارد. طبیعت به معنی چیزهایی است که انسانی نشده و برای انسان فاقد معناست. پس هر آنچه که در زمین و بیرون از آن مورد توجه ما قرار بگیرد و ما بر روی آن اسمی بگذاریم خارج از مفهوم طبیعت و داخل در مفهوم فرهنگ است.

در واقع «انسان در حکم موجودی مجهز به توانمندی‌های نشانه‌شناختی، خود را با محیط پیرامون سازگار می‌کند و آن را تغییر می‌دهد. از طریق یک فرایند مستمر دگرگونی، محیط پیرامون ما تغییر می‌کند و به اصطلاح «تاریخی» می‌شود. این جهان تاریخی شده پویاست که فرهنگ نامیده می‌شود. بنابراین از دیدگاه نشانه‌شناختی، فرهنگ یک دستگاه پیچیده نشانه‌ای است؛ یک نظام پیچیده دلالت که از طریق رمزگان‌های اصلی و ثانویه درونی شده‌اش گستره‌های معنایی را می‌آفریند و امکان مبادله معنای را فراهم می‌کند و در واقع، دربرگیرنده کل رفتارهای معنادار انسان و رمزگان‌هایی است که به آن رفتارها ارزش می‌بخشد و آن‌ها را قابل درک می‌کند. این دستگاه پیچیده نشانه‌ای — که در اصل، شبکه‌ای از روابط بین رمزگان‌ها و بین متون است و هم وجه اجتماعی دارد و هم وجه تاریخی — به خودی خود و در خود وجود ندارد. لوتمان و اسپنسکی می‌نویسند: «در بستر نافرنگ است که فرهنگ در حکم یک نظام نشانه‌ای پدیدار می‌شود». به عبارت دیگر، وجود هر فرهنگ و پویایی آن به وجود یک دیگری فرهنگی وابسته است که از دید اهالی آن فرهنگ نافرنگ، بدوی، طبیعی یا اولیه تلقی می‌شود» (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

در ادامه برای روشن‌تر شدن نسبت طبیعت و فرهنگ و فراهم شدن مقدمات لازم جهت ارائه مدل تحلیلی معیار نشانه‌شناسی فرهنگی، به الگوهای سه‌گانه‌ای که قابل تجزیه از ابر الگوی طبیعت و فرهنگ یوری لوتمان و همچنین مفهوم سپهر نشانه‌ای است، پرداخته می‌شود.

الگوهای سه‌گانه طبیعت و فرهنگ

توضیح آنکه الگوی لوتمان، الگویی است کلان و قابل تجزیه به چند الگوی کوچک‌تر؛ از این رو یک ابر الگوست. ابر الگوی لوتمان را با تکیه بر مضامینی که در آثار متعددش آورده، می‌توان به سه الگوی اصلی تقسیم کرد: ۱. طبیعت به مثابه امری ناظر بر محیط طبیعی زندگی انسان، در برابر فرهنگ که به مثابه امری ناظر بر جنبه‌های فراطبیعی زندگی انسان است. در نوشته‌های لوتمان، این الگو در قالب تقابل میان جنبه زیست‌شناختی زندگی انسان و فرهنگ نیز بیان شده، و این خود شاهدی روشن است بر این برداشت از نظریه لوتمان که از دیدگاه او، نه طبیعت به مثابه تحقق خارجی امور طبیعی، بلکه به مثابه محیطی برای زندگی انسان است. ۲. طبیعت به مثابه خائوس (یا بی‌نظمی) در مقابل فرهنگ به مثابه کوسموس (یا نظام‌مندی).

۳. طبیعت به مثابه امری ناظر بر بربریت، در برابر فرهنگ به مثابه وضعیت خود است. این الگو، در مقام تعمیم ناظر بر الگوی تقابلی "دیگر" و "خود" است (پاکتچی، ۱۳۸۳: ۹-۱۸۳) که این موارد به باورهای یونانی برمی گردد. اینکه هر آنچه در سرزمین هلنی اتفاق می افتد به معنی فرهنگ است و هر آنچه بیرون آن اتفاق می افتد بربریت و طبیعت است. الگوی اول (الگوی طبیعت - فراطبیعت) به فرهنگ جهانی برمی گردد، الگوی دوم (خائوس - کوسموس) با هر دو کاربرد فرهنگ سازگار است، و الگوی سوم (الگوی دیگر- خود) تنها با فرهنگ بومی متناسب است، که اساس نظریه لوتمان در تبیین "روابط بین فرهنگ‌ها" نیز هست (همان).

سپهر نشانه‌ای

لوتمان مفهوم سپهر نشانه‌ای را در حقیقت از زیست کره (سپهرزیستی) ورنادسکی وام گرفت. این مفهوم در ارتباط با محیط زندگی مطرح شد. به عقیده لوتمان، در مورد انسان‌ها نیز وضع به همین منوال است. که ورنادسکی در مورد جانوران می گوید. هر گونه‌ای از جانوران، دنیای مخصوص به خود را دارند و در همان فضای خاص زیستی خود با یکدیگر ارتباط برقرار و در واقع از طریق تفاوت در همین زیست جهان‌ها (زیست کره) متفاوت، گونه‌های جانوری مختلف خود را از یکدیگر متمایز می کنند، هر گروه قومی از انسان‌ها نیز توسط فرهنگ خود و به عبارت بهتر محیط فرهنگی خود که یک نظام نشانه‌ای کلان است، احاطه شده‌اند و در حقیقت این نظام نشانه‌ای کلان است که جهان‌بینی فرد را شکل می دهد. لوتمان تلاش کرد تا از الگوی ورنادسکی در حوزه فرهنگ بهره بگیرد؛ از این رو با توجه به مباحث زیست‌شناختی ورنادسکی در مورد بیوسفر حیوانات و نحوه تعامل حیوانات با محیط بیرون و درون از خود و مقایسه آن با دنیای فرهنگی شده انسان‌ها و روابط بین فرهنگ‌ها سعی کرد به مشترکاتی میان این دو دست یابد.

«به عقیده لوتمان، سپهر نشانه‌ای، یک پیوستار نشانه‌ای است که نشانه‌ها، خارج از آن، امکان حیات نخواهند داشت» (لوتمان، ۱۹۸۴: ۶؛ به نقل از سرفراز، ۱۳۸۹). از نظر لوتمان، یکی از اصلی‌ترین تقابلهایی که معنای مرز بین سپهر نشانه‌ای و محیط خارج آن را باز می‌کند، تقابل خود - دیگری یا ما و آنهاست. نمونه‌های بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه فرهنگ‌ها چگونه، هر آنچه را که بیرون از فضای نشانه‌ای آن‌ها قرار می‌گیرد، به عنوان آشوب، بی‌نظمی، شیطانی، یا بدوی و ... برمی‌سازند (سرفراز، ۱۳۸۹).

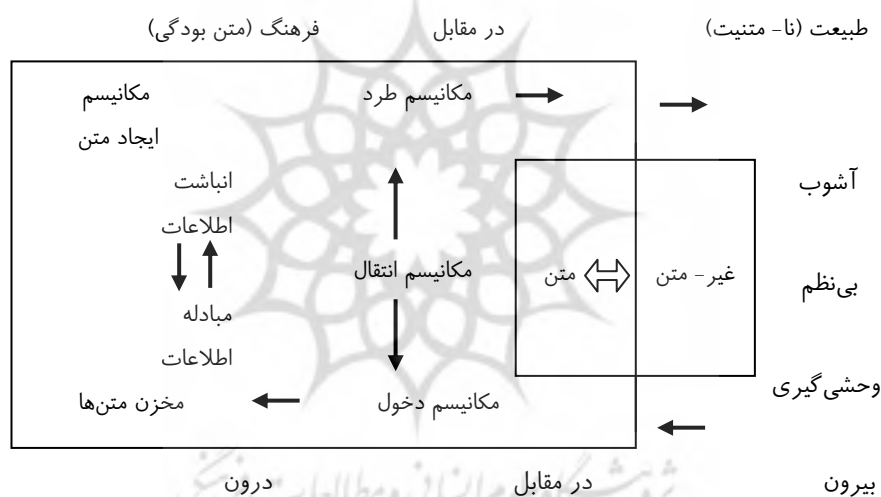
مدل معیار نشانه‌شناسی فرهنگی

مدل معیار در نشانه‌شناسی فرهنگی که در حقیقت از سوی گوران سونسون مطرح شده است، به تمایز و تقابل میان فرهنگ‌ها با یکدیگر از یک سو و حوزه‌ها و قلمروهای داخل یک فرهنگ

خاص از سوی دیگر می‌پردازد. این مدل دربرگیرنده حوزه‌هایی از هم‌پوشانی است که به ترتیب، فرهنگ که متن‌بودگی و طبیعت که نامتنیت است را بازنمایی می‌کند (Sonesson, 2000). نکته قابل توجه در این مدل معیار آن است که این دو (طبیعت و فرهنگ) ظرفیت تعریف و بازتعریف یکدیگر را دارند. ولی آنچه که ویژگی خاص اندیشه سونسون را نشان می‌دهد، اعتقاد وی به عدم تقارن میان این دو است که این مهم به عقیده وی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این معنا هر فرهنگی خود را در تقابل با آنچه که در بیرون از خود، آشفته، بی‌نظم و وحشی می‌داند، منظم تصور می‌کند. همچنین، به لحاظ روش‌شناختی این مدل علاوه بر تقابل میان دو فرهنگ در دو جامعه متفاوت، می‌تواند قلمروهایی که به عنوان فرهنگ و نه فرهنگ (ضد فرهنگ) تشخیص داده می‌شوند را شامل شود (همان).

سونسون مدل خود را به این صورت ارائه کرد:

شکل ۱ مدل معیار نشانه‌شناسی فرهنگی



منبع: (سونسون، ۱۹۹۷: ۱۲ به نقل از سرفراز، ۱۳۸۹).

در اینجا می‌توان تشابه مهمی میان غیریت‌سازی بر اساس دیدگاه شرق‌شناسی و نئوشرق‌شناسی و دیدگاه فرهنگ و نه فرهنگ (ضد فرهنگ) در مکتب تارتو- مسکو مشاهده کرد. هر دو رویکرد در صدد باز تعریف هستند. تفاوت میان خود و دیگری، یکی از منظر جامعه‌شناسی و دیگری از منظر نشانه‌شناسی هستند.

طبق آنچه که گفته شد و بر اساس نشانه‌شناسی فرهنگی می‌توان اسلام هراسی و ایران هراسی را نشانه‌ای از رویکرد جدید جوامع غربی به نشانه‌های فرهنگی اسلام و ضدیت آن با فرهنگ غربی دانست.

تحلیل گفتمان

پژوهشگران در مطالعات ارتباطی، از روش‌های کمی و کیفی تحقیق بهره می‌گیرند. یکی از روش‌های کیفی که مورد توجه کارشناسان این رشته قرار گرفته، روش تحلیل گفتمان است که مفهوم آن از یک طرف، به محصول مادی متجلی در متن و از طرف دیگر، به فرایند ارتباط مرتبط است. به عبارت دیگر، اگر متن، یک محصول مادی و دیداری است، گفتمان یک فرایند ارتباطی و شنیداری است (بشیر، ۱۳۸۵: ۸).

تحلیل گفتمان، اولین بار در مقالات زلیگ هریس در سال ۱۹۵۲ به کار رفت. البته در مقالات هریس، این اصطلاح برای توضیح مطالعات او در توسعه دستور گشتاوری به کار رفته بود و رویکردی ساختارگرایانه داشت (هریس، ۱۹۵۲: ۲۱۰). زلیگ هریس در این مقاله‌ها دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند.

بعد از هریس، وان دایک در دهه ۱۹۷۰ تحلیل گفتمان را مطرح کرد و به این ترتیب روش تحلیل گفتمان به عنوان شیوه‌ای قابل پذیرش در مطالعات ارتباطی و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای مورد پذیرش قرار گرفت (بشیر، ۱۳۸۸).

برای تحلیل گفتمان تعاریف گوناگونی مطرح کرده‌اند که از جمله می‌توان به تعریف فرکلاف در این زمینه اشاره کرد:

تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط عوامل درون زبانی [زمینه متن] واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی [زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی] بررسی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸).

به طور کلی می‌توان گفت که گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که یک مفهوم کلی را در بر می‌گیرد. در تحلیل گفتمان، مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها، در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر کدام به تنهایی مفهوم خاص خود را دارند اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون، معانی متفاوتی می‌یابند. بر این اساس، تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی، به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سروکار دارد (بشیر، ۱۳۸۸).

نوع دیگری از نگرش به گفتمان در حوزه فلسفه سیاسی به دست میشل فوکو در دهه ۶۰ پایه‌گذاری شد که بسیار متفاوت از نگرش‌های رایج به گفتمان در زبان‌شناسی است. بر اساس این نگرش، گفتمان نه تنها بزرگ‌تر از زبان است، بلکه کل حوزه اجتماع را در بر می‌گیرد و نظام‌های حقیقت را بر سوژه‌ها یا فاعلان اجتماعی تحمیل می‌کند. مفهوم کلیدی در نظریه گفتمان فوکو، "حکم" است. هر حکم اگرچه شبیه گزاره است و در قالب زبان قابل بیان است،

ولی از جنس زبان نیست. مجموعه چند حکم، یک صورت‌بندی گفتمانی را شکل می‌دهند. فوکو گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کند:

ما مجموعه‌ای از احکام را، تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمان می‌نامیم ... [گفتمان] متشکل از تعداد محدودی از احکام است که می‌توان برای آن‌ها مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد (Foucault, 1972: 117).

رویکرد روش تحلیل گفتمان

از منظر تحلیل گفتمان، زبان نه تنها ابزار ارتباط، بلکه یک عامل اجتماعی است که هم شامل رفتار و هم متون نوشتاری است. مهم‌ترین پیش‌فرض‌های تحلیل گفتمان عبارت‌اند از: ۱. متن یا گفتار واحد توسط انسان‌های مختلف، متفاوت نگریسته می‌شود، برداشت‌ها متفاوت است. ۲. هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد، منتهی بار ایدئولوژیک دارند. ۳. هر متنی در شرایط و موقعیت‌های خاصی تولید می‌شود، از این رو رنگ خالق خود را همیشه با خود دارد. ۴. هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار (نه لزوماً سیاسی) مرتبط است. ۵. معنا همان‌قدر که از متن ناشی می‌شود از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر می‌پذیرد. بر اساس این پیش‌فرض‌ها، مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان عبارت‌اند از: ۱. نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده. ۲. روشن ساختن تأثیر بافت متن (واحد‌های زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی و...) ۳. نشان دادن موقعیت خاص تولیدکننده گفتمان. ۴. آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی. ۵. ارائه روش جدیدی در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها و... (اباذری و کریمی، ۱۳۸۵: ۱۵۷)

در اینجا می‌توان گفت که دلیل اصلی به‌کارگیری روش تحلیل گفتمان برای بررسی نشریات غربی، کشف محورهای گفتمانی، ناگفته‌های متن، ایدئولوژی پنهان در ورای متن، و چگونگی ساخت قدرت، نگاه به قدرت، و نهایتاً به‌کارگیری قدرت در طرح رسانه‌ای اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در رویکرد جدید بیداری اسلامی معاصر در جهان اسلام است.

شیوه پیشنهادی تحلیل گفتمان

تاکنون روش‌های مختلفی برای تحلیل گفتمان ارائه شده است اما در این مقاله از "روش عملیاتی تحلیل گفتمان" (پدام) (Practical Discourse Analysis Method (PDAM)) که توسط دکتر بشیر ارائه شده و در چندین تحقیق دانشگاه و مقاله علمی روایی آن مورد آزمایش و تأیید قرار گرفته است، استفاده می‌شود.^۱ این روش شباهت‌هایی با روش فرکلاف که مبتنی بر سه مرحله "توصیف"، "تفسیر" و "تبیین" (فرکلاف، ۱۳۷۹) داشته اما به لحاظ عملیاتی‌تر بودن و سادگی انجام فرایندهای آن مورد استفاده قرار گرفته است.

این روش شامل پنج سطح تحلیلی است. این سطوح عبارت‌اند از: سطح-سطح، سطح-سطح-عمق، عمق-سطح، عمق-عمق (عمیق) و عمیق‌تر. هر سطح دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه تشریح می‌شوند.

بر دو سطح اول (سطح-سطح) و دوم (سطح-عمق) نوعی از توصیف حاکم است که با مرحله "توصیف" در روش فرکلاف شباهت دارد؛ اما تفاوت اساسی آن با روش مزبور در نوع انتخاب کلمات و جملات موجود در متن برای انجام تحلیل است.

سطح اول (سطح-سطح) با نام "برداشت از اصل متن" در صدد کشف کلمات و جملاتی است که در متن دارای بار معنایی خاص در راستای اهداف تحقیق باشند. این برداشت، یک انتخاب آگاهانه است که همه جملات مرتبط با هدف تحقیق را گزینش و برای انجام مراحل بعدی در ستون اول تحلیل در روش پدام درج می‌کند.

این سطح از تحلیل، سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین بخش تحلیل گفتمان است و مهم‌ترین ویژگی آن در مورد گزارش‌های خبری نشریات مختلف، تشخیص دیالوگ‌ها یا صحنه‌هایی است که دارای زمینه مرتبط با بحث مقاله هستند. به همین دلیل هم‌نفس تشخیص این ویژگی در گزارش‌های مزبور، نوعی تحلیل از سریال است و در مرحله اول تحلیل قرار می‌گیرد.

سطح دوم تحلیل در این روش، "جهت‌گیری و گرایش متن" نامیده می‌شود و همسان با بخشی از سطح دوم فرایند تفسیر در نگاه فرکلاف، یعنی "معنای کلام" است. در اینجا معانی جملات نه تنها در قالب کلمات و معناهای صریح و ضمنی آن‌ها به شکل انفرادی و ترکیبی مورد توجه قرار می‌گیرند که فراتر از آن به جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های گوناگون جملات و در نهایت خود متن، نسبت به مسائل مختلف اما مرتبط با موضوع تحقیق نیز توجه می‌شود.

ستون دوم جدول پدام، جهت‌گیری‌ها و گرایش‌ها را نشان می‌دهد. در اینجا و در راستای بحث مقاله، معنایی که تحلیل‌گر از جملات مرتبط برداشت می‌کند، آمده است. این ستون، دلیل انتخاب تحلیل‌گر را برای خواننده متن روشن می‌کند و معنای آن را تبیین می‌کند.

سطح سوم تحلیل با روش "پدام" (PDAM)، سطحی نیمه‌عمیق از تحلیل است که ذیل ستونی با نام "تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن" آمده و همسان با بخش دیگری از سطح سوم فرایند تفسیر فرکلاف یعنی "انسجام موضعی" است. از آنجایی که منظور فرکلاف، «برقراری انسجام فراگیر و کلی بین تمامی اجزای یک متن نیست، بلکه بحث در زمینه برقراری انسجام در بخش معینی از یک متن است.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۸)، تحلیل در این مرحله، به سطح نهایی خود نمی‌رسد و ارتباط با دیگر سلول‌های جدول در آن مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

آنچه از این سطح تحلیل به دست می‌آید، تشریح بافتی (PDContextual) است که گزارش در شرایط خاص آن تولید شده است. در این مرحله تحلیل‌گر تلاش می‌کند که معنای مرتبط

با بافت یا بافت‌های مرتبط با خلق متن را تبیین کند. در حقیقت در این مرحله، تحلیل‌گر در صدد کشف رابطه متن با زمینه خلق متن و بینامتنیت‌های مورد استفاده پدیدآورنده متن است. سطح چهارم تحلیل در این روش (عمق- عمق)، همسان با سطح چهارم از مرحله تفسیر، یعنی "ساختار و جان مایه متن" و نیز مرحله تبیین در نگاه فرکلاف است. این مرحله، مرحله خروج از ساختار ظاهری متن و توجه به فرامتن‌های مرتبط با متن است. در این مرحله تلاش می‌شود میان متن، زمینه و فرامتن‌های مرتبط با متن پلی ایجاد و "معانی" نهفته متن، آشکار شود. مقایسه سلول‌های جدول با هم و استنتاج از آن‌ها در این مرحله صورت می‌گیرد. این سطح، "سطح عمیق" تحلیل گفتمان به روش پدام است.

سطح بعدی تحلیل گفتمان که به نوعی خروج از روش فرکلاف است، سطح "عمیق‌تر" تحلیل نام دارد که به بررسی گفتمان‌های اجتماعی حاکم بر گزارش‌های خبری مورد تحلیل برای تولید معانی آن است. در این مرحله، متن، بینامتنیت و فرامتن، همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد و تحلیل نهایی ارائه می‌شود. مقایسه گفتمان‌های مختلف سیاسی- اجتماعی، کشف نقاط تفاوت یا اشتراک هر کدام از این گفتمان‌ها و در نهایت هم‌گزینش گفتمان برتر یا عناصر برتر گفتمانی در این مرحله صورت می‌گیرد.

در اینجا مفسر یا تحلیل‌گر حضور کامل و تام داشته و قرائت نهایی مفسر و تحلیل‌گر صورت می‌گیرد که با استفاده از متن، زمینه، بینامتنیت‌های پدیدآورنده و تحلیل‌گر، فرامتن‌های متن اصلی با گرایش پدیدآورنده و فرامتن‌های احتمالی متن با گرایش تحلیل‌گر مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل اساسی صورت می‌گیرد. اینجا است که نوعی از جمع‌بندی در شکل خط‌مشی یا رویکردهای بسیار کلان به‌وجود می‌آید. به این ترتیب در این مرحله است که کار نظری جدیدی صورت می‌گیرد. یعنی در این‌گونه از تحلیل گفتمان، اگر چه از تحلیل یک مورد استفاده می‌شود اما تحلیل این مورد، به تنهایی هدف نبوده و نیل به دیدگاه‌های جدید، با توجه به سایر گرایش‌ها و گفتمان‌های موجود هدف نهایی است که می‌تواند تحلیل مورد نظر را به نتیجه نهایی برساند.

بدیهی است که اگرچه برای ساده‌سازی عملیات در روش پدام، برای درج مطالب مختلف از ستون‌ها استفاده شده است اما به دلیل تشریحی بودن مراحل چهارم و پنجم، درج مطالب و تحلیل‌های مربوط به آن‌ها در جدول ضروری نیست اما برای درک آسان‌تر سه سطح اول که بیانگر مراحل اولیه تعامل با متن و حرکت تحلیل‌گر برای انتخاب، تعیین گرایش و توجیه جهت‌گیری‌ها است، به جدول نیاز است.

با چنین شیوه‌ای می‌توان اطمینان یافت که با هر مرحله از شیوه پیشنهادی، بخشی از معنا در حلقه‌های مختلف روشن می‌شود و در نهایت در مرحله پایانی تحلیل گفتمان حلقه‌های معنایی مزبور، معنای کامل البته بر پایه برداشت‌ها و قرائت خواننده، ارائه می‌شود (بشیر، ۱۳۸۸: ۱۰۲). در ادامه با استفاده از این روش، رویکردهای کلی و اصلی برخی از مطبوعات آمریکا و اروپا را در بازه زمانی اسفند ۱۳۸۹ تا اردیبهشت ۱۳۹۰، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

تحلیل گفتمان مطبوعات آمریکا

جدول ۱ جنگ دو هزار و پانصد ساله ایران با غرب

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
روحیه سلطه جویی ایران	تلاش ایران برای تسلط بر منطقه	واقعیت امر آن است که ایران سعی دارد نفوذ خود را به سراسر حوزه کشورهای تولیدکننده نفت خلیج فارس گسترش دهد. ایران از طریق رخنه به درون سازمان‌های شیعه در بحرین، عربستان سعودی و جنوب عراق، می‌کوشد دولت‌های همجوار خود را بی‌ثبات گرداند.
خصومت ذاتی و لاینحل غرب و ایران	الگوی نزاع تاریخی ایران و غرب	در واقع، پیشینه روابط متقابل ما و ایران در طول ۲۵۰۰ سال گذشته، از زمانی که تمدن ایران برای نخستین بار با تمدن غرب مواجه شد تا به امروز، به‌طور تقریبی همیشه نزاعی بی‌امان بوده است.
مداخله نظامی راهکار مناسب برای کنترل ایران	قدرت و توانمندی غرب در مهار ایران	در گذشته، غرب که به نهادهای خود اطمینان و اتکا داشت و از برتری همه‌جانبه نظامی نیز برخوردار بوده است، توأم با عزمی راسخ جهت کاربرد آن برتری نظامی جهت حفظ اصول و ارزش‌های خود، توانایی خود را برای مهار کردن بلندپروازی‌های ایران به اثبات رسانده است.

منبع: نشنال ریویو (آنلاین)، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۳۰ مارس ۲۰۱۱ (۱۰ فروردین ۱۳۹۰)، زبان: انگلیسی، نویسنده: جیم لیبسی.

جدول ۲ ایران در بیداری اقوام عرب جایگاه مشخصی ندارد، اما ترکیه در این میانه چه جایگاهی دارد؟

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
تغییر در حکومت سوریه موجب تغییر در معادلات منطقه به خصوص درباره ایران می‌شود	استحکام جایگاه ایران در منطقه با وجود حمایت‌های سوریه	تا زمانی که اسد بر مسند قدرت تکیه زده است، جایگاه ایران در منطقه تنها مستحکم‌تر خواهد شد. اگر (و زمانی که) هیئت حاکمه سوریه تغییر کند، روابط آن کشور با ایران و سایر کشورها و گروه‌های افراطی در منطقه تغییر نمایانی نخواهد کرد، اما میزان صمیمیت دمشق و تهران کاهش خواهد یافت و همین امر پیامدهای عظیمی برای سازمان‌هایی همچون حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی خواهد داشت.
اختلافات مذهبی عاملی مهم برای تفرقه و نزاع بین ایران و دیگر کشورهای سنی مذهب	تکیه بر سنی و شیعه بودن راه جدایی ایران و ترکیه	دامن زدن به هویت "سنی" ترکیه نبرنگی بیش نیست تا ترکیه و ایران را به منازعه با یکدیگر تحریک کند.

منبع: هاف‌پست ورلد UFFPOST WORLD، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۲۹ مارس ۲۰۱۱ (۹ فروردین ۱۳۹۰)، زبان: انگلیسی، نویسنده: _____.

جدول ۳ "دکترین اوباما" لیبی و ایران

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
قیام کشورهای عرب هنوز تا این زمان به ایران سرایت نکرده است، هرچند که رهبران جنبش ضد [آقای] احمدی‌نژاد حس همدردی خود با ملل عرب و پشتیبانی خود از آنان را ابراز داشته‌اند.	جنبش سبز انقلابات منطقه را الگوی قیام خود قرار می‌دهند	سرنوشتی مانند کشورهای عربی در انتظار ایران است.

منبع: نیشن *NSTION*، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۲۹ مارس ۲۰۱۱ (۹ فروردین ۱۳۹۰)، زبان: انگلیسی، نویسنده: رابرت دریفوس *Rabert Dreyfuss*

جدول ۴ صادرات مرگبار ایران

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
تقریباً هم‌زمان با آزاد شدن کشتی‌های توقیف شده، شیخ عبدالله بن‌زائد، وزیر امور خارجه امارات متحده عربی، ایران را متهم کرد که با توسل به قاچاق اسلحه و اعزام پنهانی خرابکاران به کشورهای خلیج [فارس]، در راستای «بی‌ثبات کردن کشورهای مزبور، دست به توطئه زده است.»	منافع ایران در بی‌ثباتی کشورهای عربی منطقه مانند بحرین و عربستان سعودی است	ایران، ریشه اصلی تروریسم در منطقه
این تنها تازه‌ترین رویداد (آزاد کردن کشتی توقیف شده توسط مالت) در زنجیره‌ای از رویدادهاست که حکایت از آن دارد که رهبران کنونی ایران تصمیم گرفته‌اند با کوششی تجدیدحیات یافته در راه برافروختن شعله انقلاب "اسلامی" در خارج از مرزهای کشور خود، به رستاخیر اقوام عرب بر پایه انقلاب‌های دموکراتیک واکنش نشان دهند.	دخالت ایران در کشورهای منطقه با هدف صدور انقلاب	حملات تروریستی ایران ریشه در انقلاب اسلامی دارد

منبع: نیویورک پست *NEW YORK POST*، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۶ آوریل ۲۰۱۱ (۱۷ فروردین ۱۳۹۰)، زبان: انگلیسی، نویسنده: امیر طاهری *AMIR TAHERI*

جدول ۵ آیا ماجرای لیبی تماماً به ایران ارتباط پیدا می‌کند؟

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
تمایل ایران به حل شدن مسائل از طریق تعاملات سیاسی با غرب به جای توجه به قدرت سخت (جنگ)	تفاوت عملکرد ایران در روابط دیپلماتیک با غرب به نسبت کشورهای منطقه مانند عراق و لیبی	ایرانیان هرگز به شیوه‌ای واقعاً جنون‌آمیز، همانند مثلاً قذافی، عمل نکرده‌اند و یا حتی در حد صدام حسین نیز دست به کاری که حاکی از بی‌مسئولیتی و بی‌ملاحظگی باشد و خطر برافروختن آتش جنگ را دربرداشته باشند نزده‌اند. آن‌ها دارای یک کشور واقعی، ثروت عینی و ملموس، و میراثی گرامی که باید از آن محافظت به عمل آید هستند و درد و رنجی که از جنگ ایران و عراق بر آنان وارد آمد هنوز به قوت خود باقی است
بن بست روابط دیپلماتیک و بین‌فرهنگی ایران و کشورهای عربی به سبب اختلافات قومیتی	تفرق دیرینه ایرانی از عرب و عرب از ایرانی سبب نبود ارتباط بین کشورهای عربی با ایران می‌شود	در همه کشورهای سنی‌مذهب منطقه این ترس نیز وجود دارد که می‌آید زمانی که آمریکا عراق را ترک کند، عراق به سوی ایران گرایش نشان دهد. عراق به همان اندازه که شیعه است، عرب نیز هست و ایران به همان اندازه که مسلمان است عجم نیز محسوب می‌شود. همان اندازه که ایرانیان از اعراب متنفرند، اعراب نیز از ایرانیان نفرت دارند. و این احساس آنان نسبت به یکدیگر دست کم از هزار سال قبل از ظهور حضرت محمد (ص) تاکنون ادامه داشته است.
عدم مقبولیت ایران در بین مردم منطقه به خصوص جوانان	عدم گرایش انقلابیون عرب به ایران به دلیل کشتار سال‌های گذشته	ایران ناراضیان خود را می‌کشد، شکنجه می‌دهد، به زندان می‌افکند و به آنان تجاوز می‌کند. تصور من آن است که کسانی که در سراسر خاورمیانه به خیابان‌ها ریخته‌اند، هیچ گرایشی به نظام ایران ندارند. جوانان مصر و سایر کشورهایی که به تظاهرات در خیابان‌ها روی آورده‌اند ممکن است آنقدرها از ما آمریکایی‌ها خوششان نیاید، چرا که ما از حکمرانان ستمگر آنان حمایت کرده‌ایم، اما مسلماً افکار و اندیشه‌های ما را دوست دارند، این امر، در نهایت ما را در موضعی بسیار نیرومند علیه ایران قرار می‌دهد.

منبع: تایم TIME، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۳ آوریل ۲۰۱۱ (۱۴ فروردین ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: جو کلاین JOE KLEIN.

جدول ۶ ایران: بازی بزرگ‌تر در خاورمیانه

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
در حقیقت، بحث ایران تمام حرکت‌های شطرنج در این منطقه را پیچیده‌تر می‌کند. در پایان این دوره آشوب‌ها موفقیت یا ناکامی ممکن است با این مسئله که آیا ایران به جاه‌طلبی‌های خود برای تبدیل شدن به قدرتمندترین نیروی منطقه جامه عمل پوشانیده است یا نه، مورد قضاوت قرار خواهد گرفت.	وابستگی موفقیت و ناکامی انقلابات منطقه به جاه‌طلبی‌های ایران	جاه‌طلبی و تمایل به استیلا بر منطقه خواست اصلی ایران
سعودی‌ها به ایران به چشم بزرگترین تهدید برای جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود می‌نگرند و با بسیاری از تلاش‌های آمریکا برای محدود کردن تهران همکاری کرده‌اند.	همکاری کشورهای منطقه با غربی‌ها برای خنثی‌سازی فعالیت‌های ایران	محدود کردن قدرت ایران خواست اصلی بعضی کشورهای منطقه
در هفته‌های اخیر کاخ سفید به این نتیجه رسیده است که سوریه در صورت برکناری آقای اسد چیز کم‌تری را از دست خواهد داد تا ایرانیان. و در نتیجه، همان‌طور که بعضی‌ها در شورای جنگ آقای اوباما به آن اشاره کردند، اگر تظاهرکنندگان در سوریه موفق شوند، ایران کشور بعدی خواهد بود.	انقلاب در سوریه بیشتر به نفع آمریکا و به ضرر ایران است	سرنوشت انقلاب در ایران به سرنوشت سوریه بستگی دارد

منبع: نیویورک تایمز، NEW YORK TIMES، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۲ آوریل ۲۰۱۱ (۱۳ فروردین ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: دیوید سنجر DAVID SANGER.

جدول ۷ نظر مثبت مصر به برقراری روابط با ایران

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
نفوذ و قدرت فزاینده ایران در منطقه و کمک‌هایش به گروه‌های تروریست در خارج از خاک خود، نه فقط صهیونیسم، بلکه کشورهای عرب سنی مذهبی همچون عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن، و، آری، مصر را نیز به مخاطره افکنده است.	ایران حامی تروریسم در منطقه و احساس خطر کشورهای منطقه از قدرت ایران	ایران تهدیدی برای کشورهای منطقه
علاقه‌مند شدن ناگهانی دولت موقت مصر که پس از سقوط دولت مبارک روی کار آمده است، به گسترش روابط کشورش با روحانیون علامتی از ضعف به هیئت حاکمه ایران ارسال می‌دارد که تنها ممکن است موجب تحریک آنان شود.	علاقه‌مندی به ایجاد رابطه با ایران نشانه ضعف دولت مصر	برقراری مجدد رابطه ایران با مصر باعث افزایش قدرت ایران می‌شود
کوشش در راه مهار ایران که یکی از اهداف عمده آمریکا است، بدون حمایت مصر به نحو چشمگیری کارآیی خود را از دست خواهد داد.	مهار ایران توسط آمریکا تنها از طریق مصر	قطع رابطه ایران و مصر راهی برای اعمال قدرت آمریکا در منطقه

منبع: نیوزمکس NEWSMAX، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۱۱ آوریل ۲۰۱۱ (۲۲ فروردین ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: جودیت میلر JUDITH MILLER.

جدول ۸ تجدیدنظر در روابط میان ایران و مصر

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
ازسرگیری روابط رسمی میان ایران و مصر، پس از سپری شدن ۳۱ سال از زمان قطع این روابط، می‌تواند پیامدهای وخیمی در منطقه داشته باشد.	نگرانی از تجدید روابط دیپلماتیک میان ایران و مصر.	عدم رابطه ایران و مصر خواست اصلی غرب و کشورهای منطقه

منبع: *نشنال* NATIONAL، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۲۰ آوریل ۲۰۱۱ (۳۱ فروردین ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: مایکل تئودولو MICHAEL THEODOULOU.

جدول ۹ مصری‌ها سعی می‌کنند نظر دشمنان آمریکا را جلب کنند

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
ایران و دولت جدید مصر روز دوشنبه اعلام کردند که به سرعت به طرف گرمی روابط خود که چندین دهه رو به سردی گراییده بود به پیش می‌روند و اکنون آمریکا، صهیونیسم و عربستان سعودی نگران هستند که این روابط توازن قدرت آسیب‌پذیر خاورمیانه را برهم بزنند.	روابط ایران و مصر رو بهبود است	افزایش روابط ایران و مصر، تهدیدی برای آمریکا، صهیونیسم و حامیان ایشان.

منبع: *وال استریت جورنال* WALL STREET JOURNAL، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۱۹ آوریل ۲۰۱۱ (۳۰ فروردین ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: مت برادلی MATT BRADLEY.

جدول ۱۰ قتل عام، خطر نفوذ ایران در عراق را به اثبات می‌رساند

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
ایران عامل اساسی ناآرامی‌های منطقه	دخالت نگران‌کننده ایران در امور داخلی عراق	در حالی که آمریکا خود را آماده خارج ساختن بیشتر، اگر نگوییم همه، نیروهای خود از عراق می‌کند، نفوذ فراگیر ایران در این کشور بیش از همیشه نگران‌کننده شده است. و اکنون حمله مرگ‌آور نیروهای امنیتی عراق به یک گروه مخالف ایران که در داخل عراق زندگی می‌کند - حمله‌ای که سناتور جان کری به درستی آن را یک قتل عام نامید - باید زنگ‌های خطر را در واشنگتن در مورد سرسپردگی نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق به نظام تهران به صدا درآورد.
دخالت بی‌رویه ایران در اوضاع کشورهای منطقه به خصوص عراق	جمهوری اسلامی ایران عامل اساسی ترور اعضای مجاهدین خلق در عراق	واشنگتن وظیفه‌ای ویژه برای درخواست مسئولیت‌پذیری در این مورد (کشته شدن اعضای سازمان مجاهدین خلق) را به عهده دارد، زیرا رابرت گیتس وزیر دفاع یک روز قبل از این حمله وارد بغداد شده و با مالکی ملاقات کرده و در مورد نفوذ خطرناک ایران در منطقه هشدار داده بود. وزیر امور خارجه ایران یک روز پس از این کشتار اعلام کرد: «ما از این حرکت دولت عراق قدردانی می‌کنیم». گویی می‌خواست برتری ایران در بغداد را نشان دهد.

جدول ۱۱ محور تهران - دمشق

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
گزارش‌هایی مبنی بر آنکه تک‌تیراندازان ایرانی سرگرم از پای در آوردن مبارزان دموکراسی‌طلب سوریه به ضرب گلوله هستند، با توجه به ارتباطات عمیق نظامی و اطلاعاتی - امنیتی میان دو رژیم، قابل تأیید است.	دخالت نظامی ایران در سوریه و از میان بردن مخالفین در جهت حفظ منافع خود.	عامل اصلی دخالت ایران در سوریه جلوگیری از برقراری دموکراسی در این کشور است
در دوره ریاست جمهوری [آقای] احمدی‌نژاد، ایران به حضور خود در سوریه در حد نمایانی گسترش بخشیده است. دست کم ۱۴ "مرکز فرهنگی اسلامی" متعلق به ایران در نقاط گوناگون سوریه دایر شده است و صدها روحانی مبلغ جهت شناساندن تشیع به سبک ایران به سوریه‌ها به سوریه اعزام شده‌اند. به کار بردن همین گونه تاکتیک‌ها در لبنان دستاورد موفقیت‌آمیزی داشته و بخش بزرگی از جامعه اقلیت شیعه لبنان را "ایرانیزه" کرده است.	گسترش نفوذ ایران در سوریه و لبنان از طریق فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی.	نگرانی غرب از افزایش متحدان ایران در منطقه.
ایران عملاً توانسته است از طریق سوریه و لبنان حضور خود را در مدیترانه تثبیت کند. افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاکنون، تأسیسات مختص پهلو گرفتن و لنگر انداختن کشتی‌ها در بندر سوری لاذقیه را گسترش داده‌اند و این پیش‌درآمدی است بر پیدایش آنچه که حیثاً یک پایگاه مجهز تمام‌عیار هوایی و دریایی به شمار خواهد رفت.	گسترش پایگاه‌های نظامی ایران در منطقه	افزایش قدرت نظامی ایران در آینده‌های نزدیک
بعید نیست که پس از گذشت این همه سال، ایران شبکه‌ای در تماس و ارتباط با تعدادی از هوادارانش در درون ارتش و درون تشکیلات اطلاعاتی - امنیتی سوریه ایجاد کرده باشد و ممکن است برای دلگرم ساختن عناصر افراطی در درون رژیم در تنگنا قرار گرفته اسد و تشویق آن عناصر به ادامه نبرد [با مخالفین]، بهره‌برداری از این شبکه ارتباطی را آغاز کرده باشد.	نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سیستم اطلاعاتی سوریه و بهره‌برداری از آن در راستای منافع خود. سیستم اطلاعاتی و امنیتی سوریه وابسته و زیر نظر جمهوری اسلامی ایران هدایت و جهت‌دهی می‌شود.	سیستم اطلاعاتی ایران تهدیدی اساسی در منطقه.
رسانه‌های تهران به قیام مردم سوریه، از همان آغاز، برچسب «توطئه صهیونیسمی» زده‌اند. آنان در توصیف جنبش دموکراسی‌طلبی در داخل خود ایران نیز همین عبارت را به کار برده‌اند. در سال ۲۰۰۹ م. روحانیون مدعی شدند که کسانی که در خیابان‌های تهران و تبریز کشته شده‌اند نه تظاهرکنندگانی مسالمت‌جو، بلکه مأموران و کارگزارانی "صهیونیسم و کافر" و مستحق مرگ بوده‌اند.	متحرف نمودن افکار عمومی از سوی رسانه‌های جمهوری اسلامی در مورد رخدادهای منطقه (به ویژه سوریه) و همچنین وقایع داخلی به وسیله برچسب زنی و ایجاد توهم توطئه.	جانبداری بیش از اندازه رسانه‌های ایران از متحدانش و عوام فریبی رسانه‌های جمهوری اسلامی بر اساس حفظ منافع خود.

جدول ۱۲ روحانیون، عراق را زیر نظر دارند

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
ایران، مانعی اساسی در برقراری ثبات و ایجاد حکومت‌های دموکراتیک در منطقه می‌باشد.	منفعت ایران در خروج آمریکا از منطقه و مقابله آن با برقراری حکومت دموکراتیک در عراق.	در میان نگرانی‌های زیاد مبنی بر اینکه دموکراسی در عراق به‌طور فزاینده‌ای در حال آسیب‌پذیر شدن در مقابل تهدیدهای داخلی سیاسی و اقتصادی است، نوری‌المالکی، نخست‌وزیر عراق قویاً موضع خود را در مورد اینکه ۵۰ هزار نیروی آمریکایی تا مهلت مقرر در سال ۲۰۱۱ م. خاک این کشور را ترک خواهند کرد تکرار کرد. تعجب آور نیست که طرف اصلی‌ای که از این اقدام سود خواهد برد دوباره جمهوری اسلامی ایران است.
نگرانی از گسترش نفوذ و سلطه ایران در منطقه.	عقب‌نشینی آمریکا از عراق عاملی مهم در گسترش روابط دیپلماتیک ایران با عراق و افزایش قدرت ایران در منطقه.	باوجود فاجعه جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ م. و تلاش‌های ایران برای ایجاد خشونت‌های فرقه‌ای وحشتناک در عراق بعد از تهاجم آمریکا در سال ۲۰۰۳ م.، روابط ایران با عراق در واقع در حالی که حضور آمریکا در حال کاهش می‌باشد، بسیار نزدیک‌تر شده است. یعنی از طریق یک رشته توافق‌های اقتصادی، ایران اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری عراق است. ایران هم‌چنین روابط سیاسی تعیین‌کننده‌ای را از طریق طرفداران شیعه خود مانند صدر و ائتلاف شیعیان عراق با دولت بغداد ایجاد کرده است. یک دولت ضعیف و مطیع در بغداد به ایران اجازه خواهد داد از عراق به عنوان یک سکوی پر نفوذ گسترده منطقه‌ای ایران استفاده کند.

منبع: فرانت پیج مگزین FRONTPAGE MAGAZINE، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۲۵ آوریل ۲۰۱۱ (۵ اردیبهشت ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: فرانک کریمی FRANK CRIMI.

جدول ۱۳ بحران سوریه شدت می‌گیرد و هیئت حاکمه ایران عصبی‌تر می‌شود

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
وابستگی سرنوشت ایران و سوریه به یکدیگر	اضمحلال حکومت سوریه تهدیدی جدی برای ایران.	سرنوشتی حکومت خون‌بار اسد روی ایرانیان که از سوریه در مقابل قدرت‌های سنی عرب، به ویژه عربستان سعودی، حمایت می‌کنند به شدت تأثیر خواهد گذاشت، چرا که آنان از وجود سوریه به منزله مسیری برای حمل اسلحه از مرز لبنان برای حزب‌الله استفاده می‌کنند. اضطراب ایران از بابت قیام در سوریه طی شش هفته اخیر به تفرقه در قشر حاکم بر ایران، از جمله میان جناح‌های جانبدار آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر عالی کشور، و رئیس‌جمهور تشریفاتی‌اش، [آقای] محمود احمدی‌نژاد، شدت بخشیده است.

منبع: ویکی استاندارد WEEKLY STANDARD، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۳ مه ۲۰۱۱ (۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: استیون شوارتز STEPHEN SCHWARTZ.

جدول ۱۴ سوریه، ایران و از دست رفتن یک فرصت راهبردی

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
<p>کاستن متحدان ایران در منطقه.</p>	<p>گره خوردن منافع ایران با حکومت علوی‌ها در سوریه. محدودیت ایران و کاهش قدرت نفوذ منطقه‌ای آن در صورت روی کار آمدن حکومتی با اکثریت اهل تسنن. عدم وجود منافع مشترک میان ایران و سوریه پس از بشار اسد.</p>	<p>اگر بشار اسد و ساختار قدرت علوی‌ها از صحنه خارج شوند، بعید است که محور دمشق - تهران به بقای خود ادامه دهد و چنین چیزی به بلندپروازی‌های ایران ضربه عمده‌ای وارد خواهد آورد. پایان عمر رژیم اسد به نحوی مؤثر کانالی را که تهران برای بازیگری در صحنه گسترده‌تر سیاست خاورمیانه، حمایت از حزب‌الله، و حماس و قرار دادن هم‌پیمانان دیرینه آمریکا همچون عربستان سعودی و اردن در موضع تدافعی باید از آن عبور کند، مسدود خواهد کرد. شک نیست که ایران باز هم خواهد توانست رویدادهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد، اما از دست دادن سوریه این تأثیرگذاری را برای ایران بسیار دشوارتر خواهد ساخت. در دوران حکومت زمامداران بعدی سوریه که احتمالاً از میان اکثریت سنی‌مذهبان آن کشور روی کار خواهند آمد، دوشادوش ایرانیان صف کشیدن دیگر هیچ معنی و مفهومی برای آن زمامداران جدید نخواهد داشت. در آن صورت، ایران کدامیک از منافع سوریه را تأمین خواهد کرد؟ ایران دیگر نقش یک برقرارکننده توازن را در رقابت با عراق ایفا نخواهد کرد و دمشق خواهد توانست نفت و منابع مالی خود را از کشورهای دیگر تأمین کند و پایان عمر روابط ویژه میان سوریه و ایران، احتمال آن را که صهیونیسم‌ها به خروج از بلندی‌های جولان رضایت دهند قوی‌تر خواهد ساخت.</p>

منبع: شورای روابط خارجی COUNCIL ON FOREIGN RELATIONS محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۳ مه ۲۰۱۱ (۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: استیون کوک STEVEN COOK.

جدول ۱۵ آمریکا به جنگ با ایران تا چه حد نزدیک شده بود؟

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
در سال ۲۰۰۵ م، صهیونیسم به این نتیجه رسید که نمی‌تواند ضربه‌ای منهدم‌کننده به تأسیسات هسته‌ای ایران بزند. این نکته‌ای است که نشریهٔ <i>هال/رتص</i> چند روز پیش درباره‌اش گزارش داد. اسناد به دست آمده از ویکی‌لیکس فاش می‌سازند که مقامات صهیونیسم در ماه دسامبر سال ۲۰۰۵ م. به دیپلمات‌های آمریکا اطلاع دادند که «امکان مبادرت به هیچ‌گونه حملهٔ نظامی علیه ایران وجود ندارد».	قدرت بالای نظامی ایران	خطر بالقوه ایران در منطقه برای برافروختن جنگ
لویت به آمریکایی‌ها گفت که ممکن است ایران تا ۲ و یا ۳ سال دیگر به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد، اما اذعان داشت که این برآورد ممکن است صحیح نباشد، زیرا «صهیونیسم شناخت دقیقی از برنامهٔ هسته‌ای سری ایران ندارد».	مخوف بودن برنامه هسته‌ای ایران	تلاش در نشان دادن غیر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران

۷۵

پیداری اسلامی و ایران هراسی: تحلیل گفتمان و...

منبع: نشنال اینترنِت NATIONAL INTERNET، محل نشر: آمریکا، تاریخ نشر: ۱۲ آوریل ۲۰۱۱ (۲۳ فروردین ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: کریستوفر ا. پرل .

تحلیل گفتمان مطبوعات اروپا

جدول ۱ خط‌مشی تازه‌های در قبال ایران در خاورمیانهٔ نوین

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
یکی از این نیروهای تهدیدکننده که به صورت برجسته و متمایزی در بین سایر نیروهای خطرآفرین خودنمایی می‌کند نظام ایران است که در کناری منتظر ایستاده است تا فرصت را غنیمت بشمارد و از این حالت دگرگونی بی‌وقفه در منطقه برای صدور اصول‌گرایی و افراط‌گری اسلامی خود سود ببرد.	آشفتگی و نابسامانی اوضاع منطقه و نگرانی از فرصت طلبی جمهوری اسلامی ایران جهت گسترش نفوذ و سیطره خود بر منطقه با بهره‌گیری از فعالیت‌های تبلیغی.	ایران تهدیدی بزرگ برای منطقهٔ خاورمیانه است.

منبع: /یندپندنت INDEPENDENT، محل نشر: انگلستان تاریخ نشر: ۸ مارس ۲۰۱۱ (۱۷ اسفند ۱۳۸۹)، زبان: انگلیسی، نویسنده: لرد تونی کلارک.

جدول ۲ آمادگی مصر جدید برای آشتی با ایران

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
آقای العربی در ملاقات با کاردار سفارت ایران در مصر تأکید نمود که قاهره قصد دارد از این پس «دوست همه کشورهای جهان، از جمله ایران باشد». این گشایش، آمریکا و صهیونیسم را ناراضی خواهد کرد، اما عصر جدیدی را در دیپلماسی مصر خواهد گشود.	دیپلماسی نوین مصر در جهت گسترش روابط با ایران.	افزایش مناسبات دیپلماتیک مصر و ایران تهدیدی برای آمریکا و صهیونیسم.

منبع: فیگارو LE FIGARO، محل نشر: فرانسه، تاریخ نشر: ۶ آوریل ۲۰۱۱ (۱۷ فروردین ۱۳۹۰) زبان: فرانسوی، نویسنده: ژرژ مالبرونو GEORGES MALBRUNOT.

جدول ۳ مصر آماده است "صفحه جدیدی" را در رابطه با تهران باز کند

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
مقامات ایران حمایت خود را از شورش ۲۵ ژانویه در مصر ابراز داشتند و خاطرنشان ساختند که صحبت از انقلابی است که از انقلاب ایران الگو گرفته است. یک بیان کاملاً پوچ و بی‌اساس با توجه به اینکه بزرگ‌ترین پدیدآورندگان شورش علیه مبارک را جوانان لائیک و دانشجویانی تشکیل دادند که از دانشگاه‌های آمریکایی شهر قاهره فارغ‌التحصیل شدند.	الگوی انقلاب مصر را باید در جای دیگری غیر از انقلاب اسلامی جست‌وجو کرد.	انقلاب‌های منطقه ناشی از بیداری اسلامی نیست. بلکه حکایت از گرایش‌های دموکراتیک مردم منطقه دارد.

منبع: اوره سوله/ایل فیگارو ORE SOLE LE، محل نشر: ایتالیا، تاریخ نشر: ۲۲ آوریل ۲۰۱۱ (۱۱ فروردین ۱۳۹۰) زبان: ایتالیایی، نویسنده: ویتوریو دارولد VITORIO DAROID.

جدول ۴ نگرانی صهیونیسم‌ها از "بهار عربی"

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
توازن قدرت صهیونیسم و ایران وابسته به انقلاب‌های منطقه	انقلاب‌ها منطقه باعث قدرت گرفتن هر چه بیشتر ایران و تضعیف قدرت صهیونیسم	موج اعتراضات که در جهان عرب ادامه دارد، همواره رهبران اسرائیلی را نگران ساخته است. نخست وزیر [صهیونیسم] در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فرانسه برای بیان خطراتی که در آینده ترسیم می‌شود، از این استعاره فصلی استفاده کرد: «احتمال دارد بهار عربی به زمستان ایرانی تغییر یابد.» به عبارت دیگر، احتمال دارد تمایل به دموکراسی و بی‌ثباتی رژیم‌های عربی موجود به نفع ایران - دشمن شماره یک دولت یهود - و اسلام‌گرایان، به ویژه در مصر باشد. مسئولان اسرائیلی معتقدند که ایرانی‌ها راهبرد محاصره را به کمک متحدین خود، حزب الله لبنان در شمال و اسلام‌گرایان فلسطینی حماس در جنوب، در نوار غزه تقویت کرده‌اند.

منبع: فیگارو LE FIGARO، محل نشر: فرانسه، تاریخ نشر: ۱۹ آوریل ۲۰۱۱ (۳۰ فروردین ۱۳۹۰) زبان: فرانسوی، نویسنده: مارک هانری MARC HENRY.

جدول ۵ شورش در سوریه

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	سایر گرایش‌های متن	برداشت از اصل متن
تأثیر عمیق و مهم ایران در آینده سوریه	هویت شیعی نظام سوریه و وابستگی شدید آن به حکومت ایران	امروزه، سوریه نظامی منزوی‌تر و وابسته‌تر به ایران است. شکست الگوی بعثی ناسیونال سوسیالیسم عربی، در این کشور، منجر به یک چرخش در ارزش‌های سنتی شده است. پیوندهای موجود با آیت‌الله‌های ایران و با حزب‌الله لبنان موجب آزادی بیشتر برای فعالیت‌های اسلامی شیعی در خانه شده است، تا جایی که با تأیید دولت، علوی‌ها در حال چرخش به سمت پیروان شیعه سنت‌گرا هستند. به این خاطر، مانند آن موقع، در برابر یک برخورد میان تفکر بعثی و اسلام سنی نیستیم، بلکه در برابر برخورد دیگری هستیم که در آن هویت شیعی یا سنی جایگاه قوی‌تری پیدا می‌کند.

منبع: آ.ب.ث. A.B.C، محل نشر: اسپانیا، تاریخ نشر: ۱۹ آوریل ۲۰۱۱ (۳۰ فروردین ۱۳۹۰) زبان: اسپانیایی، نویسنده: فلورنتینو پورترو FLORENTINO PORTERO.

جدول ۶ دیپلمات‌ها می‌گویند ایران به رژیم سوریه برای سرکوب معترضان کمک می‌کند

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
<p>به گفته منابع دیپلماتیک غربی در دمشق، نقش فعال ایران در کمک به رژیم سوریه در سرکوب معترضان طرفدار دموکراسی در حال افزایش است.</p> <p>فعالان و دیپلمات‌ها ادعا می‌کنند که کمک ایران شامل نظارت ارتباطات اینترنتی از قبیل اسکایپ (Skype) که به‌طور گسترده‌ای از سوی یک شبکه از فعالان مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش‌های کنترل مردم، و تهیه تجهیزات از قبیل باتوم و کلاه‌های پلیس ضدشورش، می‌شود.</p>	<p>نفوذ اطلاعاتی و ارتباطی ایران در سوریه در جهت مقابله با برقراری دموکراسی در آن.</p>	<p>حکومت ایران مانع اساسی برقراری دموکراسی در منطقه.</p>

منبع: گاردین GUARDIAN، محل نشر: انگلستان، تاریخ نشر: ۹ مه ۲۰۱۱ (اردیبهشت ۱۳۹۰) زبان: انگلیسی، نویسنده: سیمون تیدال SIMON TISDALL.

جدول ۷ آیا ایران قربانی بهار عربی است؟

برداشت از اصل متن	سایر گرایش‌های متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
<p>در تصور طرفداران جهاد توصیه شده از سوی القاعده استدلال جمهوری اسلامی کاملاً بی‌ارتباط با حوادث آفریقای شمالی و خاورمیانه است. شورش‌های سال ۲۰۱۱ م. نشان داد که الگویی که مردم عرب از آن الهام گرفتند، الگوی دموکراسی بود.</p>	<p>بیداری اسلامی عامل قیام منطقه نیست، بلکه الگوی دموکراسی است.</p>	<p>تلاش برای جداسازی انقلاب‌های منطقه از انقلاب اسلامی ایران</p>

منبع: لواتن LE TEMPS، محل نشر: سوئیس، تاریخ نشر: ۷ مه ۲۰۱۱ (۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۰) زبان: فرانسوی، نویسنده: استفان بوسار STEPHANE BUSSAR.

تحلیل گفتمان مطبوعات آمریکایی و اروپایی بر پایه دو مرحله چهارم و پنجم

این مرحله، شامل تحلیل "عمق-عمق" در دو سطح "عمیق" و "عمیق‌تر" خواهد بود. محورهای اساسی تحلیل مربوط به سطح "عمیق" را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، محورهای عمیق به دست آمده از سومین مرحله تحلیل گفتمانی (تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌ها متن) در یک کلیت فراتر از مرحله توجیهی مورد استنباط قرار گرفته و تحت عناوین کلی‌تری تدوین شده است.

لازم به ذکر است که به علت رویکردها و مواضع دیپلماتیک مشابه کشورهای اروپایی (به‌طور مشخص، فرانسه و انگلستان) و ایالات متحده آمریکا، محورهای عمیق و عمیق‌تر گفتمانی ایشان را یکسان فرض و بدین‌وسیله آن‌ها را تبیین می‌کنیم.

محورهای عمیق
۱. ایران کشوری خطرناک برای منطقه
روحیه سلطه‌جویی ایران
جاه‌طلبی و تمایل به استیلا بر منطقه خواست اصلی ایران
محدود کردن قدرت ایران خواست اصلی بعضی کشورهای منطقه
دخالته بی‌رویه ایران در اوضاع کشورهای منطقه مخصوصاً عراق
ایران عامل اساسی ناآرامی‌های منطقه
افزایش قدرت نظامی ایران در آینده‌های نزدیک
سیستم اطلاعاتی ایران تهدیدی اساسی در منطقه
خطر بالقوه ایران در منطقه برای برافروختن جنگ
ایران تهدیدی بزرگ برای منطقه خاورمیانه است
۲. خطر هسته‌ای شدن ایران برای منطقه و جهان
امکان دستیابی به سلاح هسته‌ای در آینده‌های نزدیک
۳. بیداری اسلامی به مثابه یک توهم
انقلاب‌های منطقه ناشی از بیداری اسلامی نیست، بلکه حکایت از گرایش‌های دموکراتیک مردم منطقه دارد
افزایش گرایش‌های دموکراتیک در مردم منطقه خاورمیانه در مقابل گرایش به حکومت‌های اسلامی
۴. ایران، کشوری ضد دموکراسی
عامل اصلی دخالت ایران در سوریه جلوگیری از برقراری دموکراسی در این کشور است
ایران، مانعی اساسی در برقراری ثبات و ایجاد حکومت‌های دموکراتیک در منطقه است
نظام حاکم در ایران عمده‌ترین مانع برقراری دموکراسی در منطقه
حکومت ایران مانع اساسی برقراری دموکراسی در منطقه
۵. ایران عامل تروریسم
ایران، ریشه اصلی تروریسم در منطقه
حملات تروریستی ایران ریشه در انقلاب اسلامی دارد
۶. به بن‌بست رسیدن تعاملات سیاسی غرب با ایران
خصومت ذاتی و لاینحل روابط غرب و ایران
مداخله نظامی راهکار مناسب برای کنترل ایران
۷. ایجاد منازعه بین ایران و دیگر کشورهای منطقه راهی برای حفظ قدرت غرب در خاورمیانه
اختلافات مذهبی عاملی مهم برای تفرقه و نزاع بین ایران و دیگر کشورهای سنی مذهب
قطع رابطه ایران و مصر راهی برای اعمال قدرت آمریکا در منطقه
افزایش روابط ایران و مصر، تهدیدی برای آمریکا، صهیونیسم و حامیان ایشان.
عدم رابطه ایران و مصر خواست اصلی غرب و کشورهای منطقه
نگرانی غرب از افزایش متحدان ایران در منطقه
افزایش مناسبات دیپلماتیک مصر و ایران تهدیدی برای آمریکا و صهیونیسم
توازن قدرت صهیونیسم و ایران وابسته به انقلابات منطقه
۸. دخالت ایران در کشور سوریه
تغییر در حکومت سوریه موجب تغییر در معادلات منطقه به خصوص درباره ایران می‌شود
سرنوشت انقلاب در ایران به سرنوشت سوریه بستگی دارد
وابستگی سرنوشت ایران و سوریه به یکدیگر
۹. قدرت رو به افول ایران در منطقه
بن‌بست روابط دیپلماتیک و بین فرهنگی ایران و کشورهای عربی به سبب اختلافات قومیتی
عدم مقبولیت ایران در بین مردم منطقه به‌خصوص جوانان
انفعال ایران در مورد مسائل منطقه

بخش عمیق‌تر

تحلیل‌های عمیق‌تر نشریات فوق (اعم از آمریکایی و اروپایی و به بیان بهتر نشریات غربی) را در برهه زمانی اسفند ۸۹ تا اردیبهشت ۹۰، می‌توان در محورهای اصلی ذیل خلاصه کرد که در ادامه ضمن بیان این محورها، به شرح آن‌ها، در قالب رویکرد نئوشرق‌شناسی و نشانه‌شناسی فرهنگی می‌پردازیم. در مجموع سه محور اصلی را می‌توان به عنوان محورهای عمیق‌تر این نشریات ذکر کرد:

۱. **ایران به مثابه تهدیدی جدی برای منطقه (ایران هراسی) و ضرورت کنترل آن.** همان‌طور که می‌دانیم ایران به علت موقعیت جغرافیایی، سابقه فرهنگی کهن و ذخایر مادی و معنوی خود همواره به عنوان تهدیدی جدی برای دول غربی مطرح بوده است. آنچنان که ترس از ایران و ایجاد رعب و وحشت از آن ریشه در هزاران سال پیش و شکل‌گیری اولین امپراتوری‌ها داشته است.

تلقی از ایران به عنوان تهدیدی جدی آن‌گاه شدت بیشتری می‌یابد که برای اولین بار در منطقه نظامی اسلامی برآمده از انقلابی مردمی شکل می‌گیرد. نظامی که ساختارهای نظام جهانی حاکم را که بر پایه منافع مستکبرین عالم و نظام سرمایه‌داری برپا شده، به چالش می‌طلبد.

از این رو هر آنچه که تحت‌عنوان هسته‌ای شدن ایران و خطر آن برای منطقه و جهان، تروریست بودن آن، دخالت بی‌رویه ایران و نفوذ آن در کشورهای منطقه، مطرح می‌شود، همه و همه با هدف ایران‌هراسی و ارعاب از ایران است. این سیاست‌ها خود زمینه را برای بیان به بن‌بست رسیدن تعاملات سیاسی غرب با ایران و همچنین توجیه مداخله نظامی در این کشور، فراهم می‌آورد.

۲. **معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومتی ضد دموکراسی.** دژ غربی همواره به دنبال ارائه حکومت‌های اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومت‌هایی که مردم آن از آزادی لازم برخوردار نبوده و از قدرت انتخاب لازم برای تعیین سرنوشت خود برخوردار نیستند، هستند.

ایشان دموکراسی را مساوی با پیشرفت و توسعه می‌گیرند و حکومت‌های اسلامی به ویژه ایران و ساختار آن را مانعی بر سر برقراری دموکراسی معرفی می‌کنند.

۳. **منفعل و منزوی ساختن ایران در منطقه و کم‌رنگ جلوه دادن نقش آن.** آنچه که در پیشبرد استراتژی‌های دول غربی اعم از کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا، از اهمیت بسیاری برخوردار است، منزوی ساختن دشمن برجسته خود و کنار زدن مهم‌ترین مانع نفوذ ایشان در منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران، است. ایشان در این راستا، سیاست‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند که از میان آن‌ها می‌توان به ایجاد نزاع و تفرقه میان ایران و دیگر کشورهای منطقه از طریق نفوذ در سیاستمداران کشورهای منطقه و

همچنین دامن‌زدن به اختلافات قومی و مذهبی اشاره کرد. علاوه بر این، نوع تصویرسازی‌ها و بازنمایی‌های رسانه‌ای ایشان از وقایع اخیر و قیام‌های مردم منطقه نیز در خور توجه است. ایشان بیداری اسلامی را یک توهم تلقی در موارد بسیاری اذعان کرده‌اند که این انقلابات ریشه در علایق دموکراتیک مردم و در غالب موارد ناشی از ساماندهی مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی (در رأس آن‌ها، فیس بوک) است همچنین نوع تحلیل‌های ایشان از انقلاب‌های صورت گرفته در منطقه به عنوان مقدمه‌ای برای شکل‌گیری انقلابی نو در ایران، نیز ناشی از همین نگرش‌هاست. در مجموع می‌توان با اندکی اغماض، دو مورد اخیر را هم، مرتبط و در راستای ایران‌هراسی دانست.

بررسی گفتمان مطبوعات اروپایی و آمریکایی از منظر نئو شرق‌شناسی

با توجه به تحلیل گفتمان نشریات فوق، می‌توان به وضوح دریافت که شرق‌شناسی، وارد دوره جدید خود شده است. در واقع، برخلاف نظر برخی از اندیشمندان همچون روبرتسون که معتقدند ظهور ارتباطات نوین جهانی و توسعه نوعی جامعه جهانی، تاریخ تحلیل‌های خودمحوارانه را به پایان رسانده است و نیز، ترنر که معتقد است تفاوت شدید بین شرق و غرب دیگر عمر خود را از دست داده و امیدی برای ادامه حیات ندارد، توحش و بربریسیم جدید با نئوشرق‌شناسی، دست در دست هم داده‌اند تا ثنویت ذاتی اسلام و غرب را هر چه بیشتر، پُر رنگ جلوه دهند (سمیعی، ۱۳۸۸: ۹ - ۸۸).

چه اینکه در تحلیل‌های فوق نیز شاهد تأکید نشریات بر ضدیت حکومت‌های اسلامی چون ایران با دموکراسی و روحیه آزادی‌طلبی، منحصر به فرد و خاص تلقی کردن جمهوری اسلامی و از همه مهم‌تر تقویت انگاره تروریسم در مورد آن هستیم. در حقیقت اینکه اسلام و حکومت اسلامی از اساس استبدادی بوده و مانع از توسعه و پیشرفت (که به زعم ایشان، عبارت آخری و حاصل دموکراسی هست) در کشورهای منطقه (آن‌چنان که در جوامع غربی شاهد هستیم)، در بسیاری از مواقع مورد تأکید قرار گرفته است.

ایران‌هراسی بارزترین مصداق دامن‌زدن به اختلافات شدید غرب و شرق و به عبارت بهتر غرب و اسلام است، اختلافی که ریشه در همان رویکردهای استعمارجویانه دول غربی دارد؛ که همواره به دنبال متمدن جلوه دادن خود و وحشی خطاب کردن دیگری دور خود یعنی اسلام و مسلمان بوده است.

آن‌طور که کریستا هلمیچ، خاطرنشان می‌کند، دنیای غرب با نئوشرق‌شناسی همه خاستگاه‌های محلی و فرهنگی جنبش‌های مقاومت اسلامی را نادیده گرفته و تروریسم اسلامی را به عنوان یک دشمن یکپارچه جلوه می‌دهد (همان). در این مورد نیز، شاهد نفی بیداری اسلامی و خاستگاه اصیل انقلاب‌ها و قیام‌های صورت گرفته در منطقه هستیم. همچنین گسترش اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در تصویرسازی‌های رسانه‌های غربی و مطرح ساختن جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی به عنوان

عوامل تروریسم، همه و همه حکایت از پارادایم جدید غرب در برخورد با کشورهای اسلامی و در رأس آن‌ها جمهوری اسلامی دارد. پارادایمی که تحت عنوان نئوشرق‌شناسی از آن یاد کردیم.

بررسی گفتمان مطبوعات اروپایی و آمریکایی از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی

در این قسمت با بهره‌گیری از مدل معیار نشانه‌شناسی فرهنگی (مدل سونسون)، به توصیف ایران‌هراسی می‌پردازیم.

توضیح آنکه با توجه به این مدل فرهنگ معنادار در مقابل طبیعت بی‌معنا؛ تعریف می‌شود. فرهنگ همان متن بودگی است که در مقابل نامتنیت، شناخته می‌شود. همچنین هر فرهنگی خود را در تقابل با آنچه که در بیرون از خود، آشفته، بی‌نظم و وحشی می‌داند، منظم تصور می‌کند.

در تحلیل گفتمان مطبوعات آمریکایی و اروپایی شاهد شدت بالای مرزبندی شدگی میان غرب و ایران بودیم که از سوی دول غربی روز به روز دامنه وسیع‌تری به خود می‌گیرد.

فرهنگ ایران، دیگری دور کشورهای غربی محسوب می‌شود. در حالی که در نقطه مقابل کشورهای غربی، کشورهای منطقه دیگری نزدیک ایران محسوب می‌شوند. چه اینکه دین یکسان (اسلام) وجوه مشترکی را در نظام نشانه‌ای و جهان‌بینی ایشان موجب شده است. به دیگر بیان، اسلام، دال مرکزی سپهر نشانه‌ای کشورهای منطقه را تشکیل می‌دهد که مکانیسم‌های دخول کشورهای منطقه را در فرهنگ و متن‌بودگی خود فراهم آورده و نوعی از برادری را در میان ایشان به ارمغان می‌آورد.

با نظر به نقش تعیین‌کننده ایران در منطقه و برخورداری آن از نظام نشانه‌ای غنی و تنوع قومی خود که قابلیت‌ها و فرصت‌های گسترده‌ای را نه تنها در روابط بین‌الملل بلکه مهم‌تر از آن در ارتباطات میان فرهنگی برای آن فراهم آورده است، قدرت‌های غربی به دنبال تضعیف چهره ایران در منطقه و در میان کشورهای مسلمان عربی هستند. این قدرت‌ها با نوع بازنمایی‌های خود از ایران در رسانه‌های مختلف به ایجاد نوعی رعب و وحشت از ایران و ایران‌هراسی می‌پردازند. علاوه بر این با استفاده از تکنیک‌ها و تاکتیک‌های متنوع دیپلماتیک در پی دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی در منطقه بوده و از این طریق به دنبال فاصله انداختن میان ایران و دیگری نزدیک آن هستند. در حقیقت ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در جهت فراهم آوردن مکانیسم طرد ایران از متن‌بودگی و داخل کردن آن در نوعی از نامتنیت در منطقه است.

از طرف دیگر، دُول غربی، سپهر نشانه‌ای خود را حول دال مرکزی "دموکراسی" و "آزادی خواهی" شکل داده‌اند و حکومت موجود در ایران و در کل هر حکومت اسلامی و حتی خود اسلام را مخالف با دموکراسی و آزادی‌خواهی تلقی می‌کنند. ایشان خود را منادی آزادی در منطقه معرفی می‌کنند و ایران را به عنوان مانع اصلی برقراری دموکراسی در منطقه می‌شناسانند. حکومت‌های غربی از این طریق بسیاری از شرارت‌های خود را در منطقه توجیه می‌کنند و لباس صلح‌جویی و آزادی‌خواهی بر آن می‌پوشانند.

در واقع، دموکراسی مفهومی است که غرب با بهره‌گیری از آن تمایز خود و دیگری شرقی مسلمان را تحکیم بخشیده و مکانسیم‌های طرد و دخول را بدین وسیله محقق می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان مطبوعات ایالات متحده و اروپا (به ویژه فرانسه و انگلستان)، ما را به ترویج ایران‌هراسی در منطقه از سوی آن‌ها رهنمون می‌کند. در حقیقت ایران‌هراسی نقطه‌محوری تحلیل‌های آن‌ها را شکل داده که به طرق مختلفی بیان شده و به نوبه خود مقدمات اتخاذ سیاست‌هایی را برای دول غربی رقم زده است که در تحلیل‌های این نشریات به وضوح به چشم می‌خورد. سیاست‌های منفعل و منزوی ساختن جمهوری اسلامی در منطقه، تلاش برای کاهش نفوذ آن و از میان بردن آن به طرق مختلف و... همه و همه در راستای ایران‌هراسی صورت می‌پذیرد.

ایشان با انگاشتن دموکراسی به عنوان عامل کلیدی پیشرفت و توسعه، جمهوری اسلامی ایران را مانعی بر سر برقراری پیشرفت و عدالت نه تنها در خود این کشور بلکه در سراسر منطقه خاورمیانه معرفی می‌کنند و از این رهگذر به دنبال امحای نقش الگودهی انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه هستند.

از این رو تقابل اسلام و غرب همچنان زنده است و در قالب‌های جدیدی خود را نمایان ساخته است. نسبت دادن توحش و ضدیت با دموکراسی به کشورهای اسلامی و در رأس آن-ها، جمهوری اسلامی، خود حکایت‌گر ورود غرب به دوره جدیدی از شرق‌شناسی تحت عنوان نئوشرق‌شناسی دارد. از این رو می‌توان گفت که شرق‌شناسی همچنان در قالب‌های جدیدی از به تصویر کشیدن تقابل‌ها با تأکید فزاینده بر تقابل‌های کشورهای اسلامی (به ویژه ایران) و کشورهای غربی همچنان پابرجاست. قالب‌های جدیدی که عمدتاً از طریق فناوری‌های نوین ارتباطی و رسانه‌های جدید به منصفه ظهور رسیده و تحت‌عنوان نئوشرق‌شناسی از آن یاد می‌شود که خود حکایت از ورود دنیای غرب به فصل جدیدی از تقابلات خود با کشورهای اسلامی دارد.

همچنین از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی می‌توان گفت که غرب همچنان بر همان نزاع‌های دیرینه تأکید دارد. نزاع‌هایی که ریشه در یونان باستان و تلقی دیگری به عنوان وحشی، بدوی، طبیعی و آشوبناک دارد. غرب خود را با دموکراسی و آزادی‌خواهی تعریف و دیگری (حکومت‌های اسلامی) را در نقطه مقابل آن طرد می‌کند. علاوه بر این با ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی ضمن دامن زدن به تقابلات خود و دیگری، به دنبال طرد ایران از سپهر نشانه‌ای کشورهای منطقه است.

در واقع دژ غربی با ترویج ایران‌هراسی نه تنها غیریت و تمایزات کشور ایران را از خود تقویت می‌کند، بلکه با گسترش این تفکر و به تصویر کشیدن ایران به مثابه تهدیدی جدی

برای کشورهای منطقه و همچنین ایجاد رعب و وحشت در دل سران کشورهای اسلامی، به نوعی به دنبال تقویت تلقی از ایران به عنوان دیگری دور از سوی کشورهای عربی هستند. آن‌چنان که در نهایت از این رهگذر جمهوری اسلامی ایران منزوی و منفعل ساخته و نقش برجسته آن را به ویژه در انقلاب‌های منطقه کم‌رنگ جلوه دهند.

پی‌نوشت

۱. این روش توسط دکتر حسن بشیر در کتاب خبر، تحلیل شبکه‌های و تحلیل گفتمان (۱۳۸۹) و نیز مقاله مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی، نشریه پژوهش‌های ارتباطی (۱۳۸۸) استفاده شده است.

منابع

- اباذری، یوسف علی و کریمی، جلیل. آیا شرق‌شناسی را پایانی هست؟، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطی، ش ۵، ۱۳۸۵.
- امینی، محمد صادق. تحلیل پدیده اسلام‌هراسی، پگاه حوزه، ۲۴ آبان، ۱۳۸۹.
- بشیر، حسن و حاتمی، حمیدرضا. مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل سرمقاله‌های روزنامه‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس هشتم، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ش ۱، ۱۳۸۸.
- بشیر، حسن. تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.
- بشیر، حسن. رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمانی، اسلام‌هراسی: مقدمه‌ای برای ایران‌هراسی، نشریه مدیریت ارتباطات، ش ۳، ۱۳۸۹.
- پاکتچی، احمد. مفاهیم متقابل فرهنگ و طبیعت در حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب مسکو - تارتو، اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.
- جان ال، اسپوزیتو. انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران. سالار، محمد. انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۵، ۱۳۸۲.
- سجودی، فرزانه. ارتباطات بین فرهنگی: ترجمه و تأثیر آن در فرایندهای جذب و طرد، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دور دوم، ش ۱، ۱۳۸۸.
- سرفراز، حسین. نشانه‌شناسی فرهنگی و پدیده موسوم به جنبش سبز در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- سعید، ادوارد. شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
- سمیعی، محمد. نوش‌شرق‌شناسی؛ بازتحلیلی از نشانه‌های تغییر در روند شرق‌شناسی سنتی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۴، ۱۳۸۸.
- شریعتی‌نیا، محسن. ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال ۲، ش ۶، ۱۳۸۹.
- شیرودی، مرتضی. انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیرگذاری و نمونه‌ها، نشریه مریبان، سال ۷، ش ۲۶، ۱۳۸۶.
- طاهایی، علی. ایران‌هراسی، بازی جدید آمریکایی‌ها با اعراب، پیام انقلاب، ش ۳۲، ۱۳۸۸.
- طاهری، سیدمهدی. انقلاب بیدارساز، هفته‌نامه پگاه حوزه، ش ۲۴۸، ۱۳۸۷.
- فرکلاف، نورمن. تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه پیران و دیگران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.
- کنگی‌نژاد، جواد. اسلام‌هراسی یا اسلام‌گرایی، پیام انقلاب، ش ۴۶، ۱۳۹۰.
- گاندی، لیل. پسااستعمارگرایی، ترجمه مریم عالم‌زاده، و همایون کاکاسلطانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.

- Fairclough, N. & Wodak, R. *Critical Discourse Analysis*. In T. van Dijk (Ed.). *Discourse as Social Interaction: Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*. Vol. 2. London: Sage, 1997.
- Foucault, M. *The Archaeology of Knowledge, Translated by A.. Sheridan* (London: Routledge.[1962] 1972).
- Harris, Z. *Culture and style in Extended Discourse*. selected papers (New York, 1949) VOL 3, 1952.
- Harris, Z. *Discourse Analysis*. In *Language*, 28: 1952.
- Lotman, Y. "On the semiosphere", In *Sign System Studies*, 33(1), 2005.
- Lotman, Y. *Universe of the Mind: A Semiotic Theory of Culture*. Translated by Ann Shukman, Bloomington: Indiana University Press, 1990.
- O'Hanlon, R., & Washbrook, D. *After Orientalism: Culture, Criticism and Politics in the Third World*, Comparative Studies in History and Society, 1992.
- Said, E. W. *Orientalism*, Harmondsworth: Penguin (Original Work Published 1978,1985).
- Sonesson, G. *Ego meets Alter*. The Meaning of Otherness in Cultural Semiotics. In "Special issue" of *Semiotica*, 2000.
- Tessa, B. *Spiritual wealth and neo-orientalism*, Journal of Ecumenical Studies, Vol. 35, Issue: 1, 1998.
- Torop, P. *Cultural semiotics and culture*, Sign Systems Studies vol. 27, 1999.
- Tuastad, D. *Neo-Orientalism and the New Barbarism Thesis: Aspects of Symbolic Violence in the Middle*, Third World Quarterly, Vol. 24, No. 4, 2003.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی